



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
۱۶ بهمن ۱۴۰۳ • ۵ شعبان ۱۴۴۶ • 4 Février 2025
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و بیست و دو
www.asrghanoon.ir

سیاست نامه ظریف المُلک

محمد جواد ظریف از «سیاست نامه» راهبرد وفاق» رونمایی کرد

ظریف در مراسم رونمایی از سیاستنامه «راهبرد وفاق برای تأمین امنیت ملی مبتنی بر رویکردی تاریخی به مسائل امنیت ملی ایران» اظهار کرد: ما امروز می توانیم روایت ایران مطمئن را بسازیم و همه باهم درباره آن تفاهم کنیم و دیگر این موضوع را کنار بگذاریم که آیا می توانستیم کمتر یا بیشتر هزینه دهیم و به اینجا برسیم یا نه؟ الان همه باید به راهبرد وفاق برای تأمین امنیت ملی برسیم تا هیچکس نتواند به ایران نگاه چپ کند. باید پایه های امنیت ملی را با اقتصاد، تکنولوژی و دیپلماسی و دیگر موارد تقویت کنیم. نسخه وفاق ملی ما برای آینده این است که نگاه ما فرصت محور است، نه به معنای اینکه تهدیدات را فراموش کنیم بلکه تمام دلمشغولی ما نباشد. اول باید مردم و نیز ایرانیان خارج از کشور را فرصت بدانیم نه تهدید. فضای مجازی را هم به عنوان فرصت ببینیم نه تهدید.



عوامل سقوط حکومت پهلوی

نبود عدالت اجتماعی در آن زمان بسیار به چشم می آمد که در کنار نارضایتی عمومی و تبعید امام خمینی، موجب خشم مردم شد.

۲

راهبرد امام سجاد (ع) برای بازتعریف اسلام ناب



جامعه از حیث اخلاقی به انحطاط دچار شده و به جاهلیت پیش از اسلام برگشته بود. جامعه ای که خلیفه ناهل آن شرب خمر کرده و بیت المال را ملک طلق خود به حساب می آورد.

۴

انقلاب اسلامی احیاگر معنویت در عصر مدرنیته



انقلاب اسلامی علاوه بر این که از سنت الهام گرفته بلکه احیاکننده سنت نیز هست؛ آن هم در زمان چیرگی گفتمان مدرنیته بر غرب و جهان.

۴

انقلاب فکر



این انقلاب در فکر باعث خواهد شد نگاه ما از اندیشه استکباری متداول و عادی شده در دنیا خلاص شود. در صحنه اندیشه آزاد شویم تا عالم را از بند طاغوت خلاص کنیم.

۴

پیش زمینه های بحران سوریه



یکی ویژگی عشایری و قبیله درعاست و دیگری همسایگی اش با مرز اردن و اسرائیل. عرض کردم نظام عشایری کلاً نظام متفاوتی است.

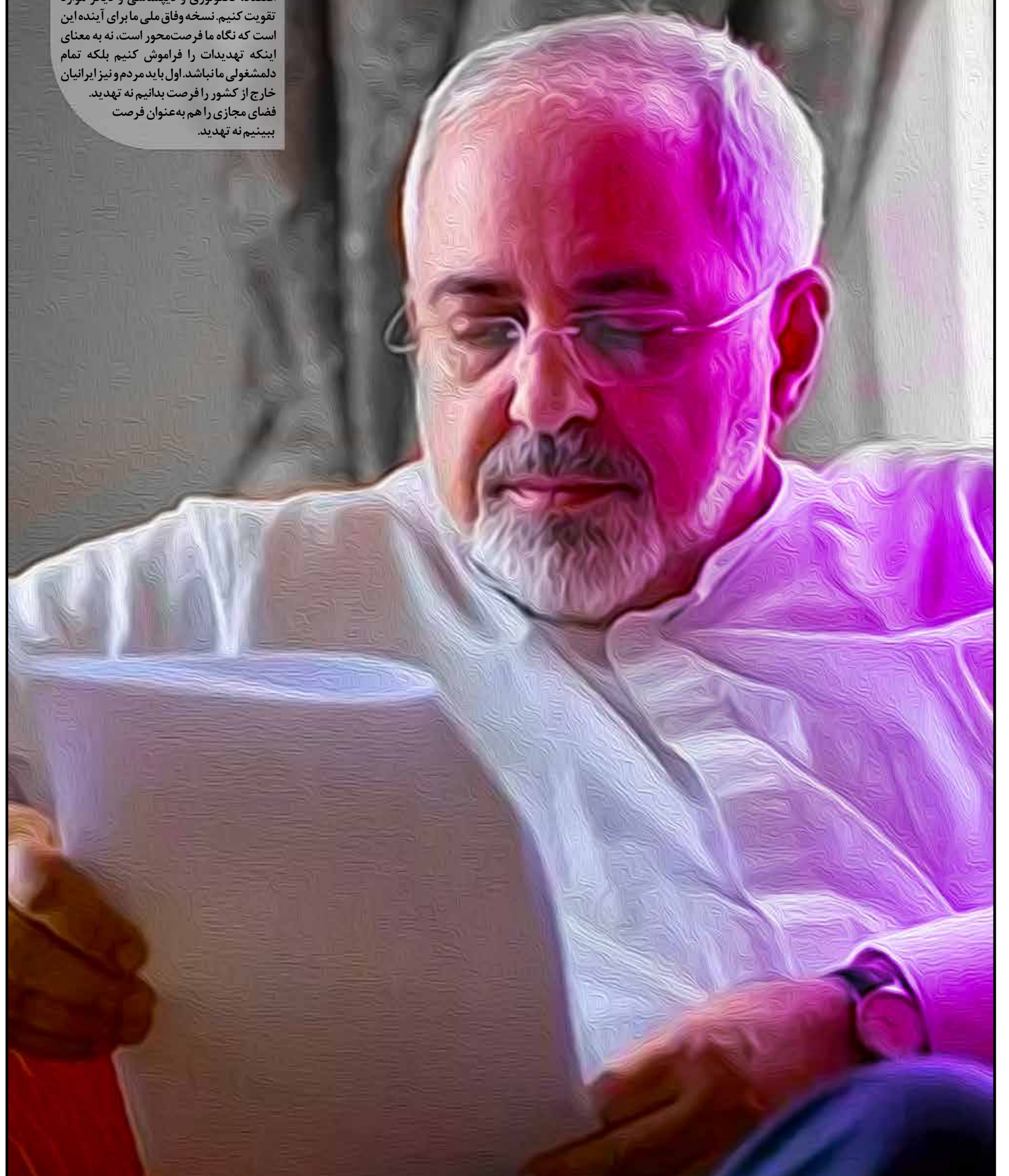
۴

۳ چالش اصلی خصوصی سازی در ایران



واگذاری شتاب زده و بدون توجه به تفاوت های شرکت ها، منجر به ایجاد مجموعه های ناهمگن شده و اهداف خصوصی سازی را محقق نکرده است. عدم آمادگی شرکت های دولتی برای رقابت، ساختارهای پیچیده و دخالت های سیاسی، موانع اصلی در این مسیر هستند.

۵



بی عدالتی، نارضایتی عمومی و تبعید امام عوامل سقوط حکومت پهلوی

سعید جوانمرد

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع انقلاب اسلامی، ریسمان اتحاد ملی و هویت دینی در ایران با دکتر سعید جوانمرد کارشناس مسائل سیاسی و استاد دانشگاه به روی آنتن رفت.

سعید جوانمرد با بیان انقلاب اسلامی نخستین انقلاب در ایران بود که با سرعت و سهولت رخ داد و از این جهت یکی از انقلاب‌های شاخص در جهان به شمار می‌رود، گفت: بسیاری از تئورسین‌های غربی و اروپایی، همچنان در این مسئله مانده‌اند که چگونه جمهوری اسلامی با شخصیتی مانند امام خمینی (ره)، این انقلاب را به پیروزی رساند و این پیروزی با چه سیاستی و در نهایت، با دست خالی به دست آمد. وی افزود: آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا نیز اذعان داشت در حیرت است که انقلاب اسلامی چه نوع انقلابی بود و با دستاوردهایش بسیاری از کشورها و مردم دنیا را تحت تأثیر قرار داد.

این کارشناس مسائل سیاسی عواملی که باعث شد در زمان شاه مردم به خیابان‌ها بیایند و نارضایتی خود را از رژیم پهلوی اعلام کنند را برشمرد و عنوان کرد: این مسئله، ریشه در عوامل متعددی داشت که یکی از آنها، نارضایتی عمومی مردم از حکومت شاه بود. عامل دوم، تبعید امام خمینی (ره) بود.

وی بی عدالتی را عاملی مهم در سرنگونی رژیم پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی دانست و بیان کرد: نبود عدالت اجتماعی در آن زمان بسیار به چشم می‌آمد که در کنار نارضایتی عمومی و تبعید امام خمینی (ره)، موجب خشم مردم شد. علاوه بر این، بحث امپریالیسم و انگیزه مذهبی را نیز باید از عوامل کلیدی و تأثیرگذار در پیروزی انقلاب دانست. در نهایت باید به این نکته توجه داشت که این انقلاب اهدافی داشت و هدف این بود که عدالت اجتماعی به جامعه تزریق شود و سرنگونی دودمان پهلوی، که از جمله اهداف مردم و جزئی از افکار حضرت امام بود با همین رویکرد محقق شد.

جوانمرد به روش‌هایی که باعث سرنگونی رژیم پهلوی شد اشاره و اظهار کرد: این روش‌ها شامل تظاهرات، اعتصاب سراسری در کل کشور، و راهپیمایی‌های گسترده در کنار پخش اعلامیه و آگاه‌سازی مردم بود. این‌ها مسائلی بودند که باعث ایستادگی مدنی مردم در مقابل بی‌عدالتی در جامعه شد.

وی با اشاره به اینکه مبارزات خیابانی آن زمان به صورت مسلحانه نیز در جریان بود، گفت: در این راستا، متأسفانه ما بسیاری از یاران اصلی انقلاب را در اوایل انقلاب از دست دادیم؛ کسانی که بازوی راست حضرت امام در آن زمان بودند، از جمله فرزند ایشان، سید مصطفی که در آبان ۵۶ به شهادت رسید. یکی از دلایل تظاهرات در قم نیز، همین قضیه بود که فرزند امام در آبان ۵۶ به شهادت رسید و این اتفاقات را رقم زد.

وی افزود: با توجه به این موارد باید گفت که جمهوری اسلامی به راحتی به دست نیامده و در طول این ۴۵ سال، مشکلات بسیاری را از سر گذرانده است؛ مشکلاتی نظیر تحریم‌های ظالمانه بر مردم ایران و فتنه‌هایی که در طول



هنر شناخت و هدایت افکار عمومی

سعید سپاهی

در عصر جنگ نرم و نبرد روایت‌ها، تحلیلگری سیاسی صرفاً یک شغل نیست؛ بلکه یک رسالت راهبردی در خدمت حقیقت و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. امروز، شناخت دقیق جریان‌های فکری و سیاسی، مهم‌ترین ابزار در مقابله با جنگ شناختی دشمن محسوب می‌شود.

تحلیلگر سیاسی موفق باید از منظری جامع‌نگر، توانایی تحلیل لایه‌های پنهان تحولات سیاسی و اجتماعی را داشته باشد. این مهم، مستلزم برخورداری از دانش عمیق در حوزه‌های متنوعی چون علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات رسانه است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی، تحلیلگر سیاسی باید با تکیه بر مبانی فکری اسلام ناب محمدی (ص) و اندیشه‌های امام راحل و رهبر معظم انقلاب، به تبیین مسائل بپردازد. این رویکرد، ضامن حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های انقلابی در عرصه تحلیل سیاسی است.

یکی از مهم‌ترین وظایف تحلیلگر سیاسی، شناخت به‌موقع فرصت‌ها و تهدیدها و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌برداری یا مقابله با آنهاست. در این مسیر، باید از تحلیل‌های سطحی و هیجانی پرهیز کرد و با رویکردی علمی و مستدل به تحلیل وقایع پرداخت. نکته حائز اهمیت آن است که تحلیلگر سیاسی باید همواره امیدآفرین و راهگشا باشد. این به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست، بلکه تأکید بر ظرفیت‌های درونی نظام و توانمندی‌های ملت بزرگ ایران در عبور از چالش‌هاست.

در پایان باید تأکید کرد که تربیت تحلیلگران سیاسی متعهد و متخصص، یکی از ضرورت‌های راهبردی کشور در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن است. این مهم، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری هوشمندانه در حوزه آموزش و پرورش نیروهای انقلابی است.



درباره فرزندان خمینی

محسن مهدیان

چرا محمدالضیاف و یحیی السنوار و دیگر مجاهدان عالم فرزندان حقیقی خمینی هستند؟ این تعبیر بیش از این که یک برداشت ذوقی باشد یک حقیقت است.

به واقع مجاهدان عالم فرزندان خمینی هستند. باید رابطه امام و مجاهدین عالم را توضیح داد. یک قیام داریم یک اقامه. قیام بلند شدن است و اقامه بلند کردن.

رهبرانقلاب درباره اقامه نماز اینطور توضیح می‌دهند که اقامه نماز به معنی نمازگزاردن و نماز خواندن نیست. بلکه نماز به پا داشتن است. یکبار یک نفر برای خدا قیام می‌کند. یکبار برای خدا دیگران را هم به قیام دعوت می‌کند. امام خمینی پیش از انقلاب هم خود قیام کرد و هم دیگران را دعوت به قیام کرد.

اما از اقامه بالاتر هم داریم. اینکه همواره اهل قیام بمانیم. اهل قیام ماندن فرهنگ سازی می‌خواهد. یعنی فرهنگ قیام را ایجاد کردن. خروجی فرهنگ‌سازی، جامعه سازی است و راه جامعه سازی نیز تنها و تنها نظام سازی است. اگر نظام متکی بر فرهنگ استقامت و پایداری ساخته شود، فرهنگ مقاومت حاکم و جامعه مجاهد ساخته می‌شود. امام بعد از انقلاب به مردم می‌گوید "رفیق نیمه راه نباشید." می‌فرماید شما انقلاب کردید. اما اینطور نیست که برویم سراغ کارمان. در رأس امور این است که ما این امر الهی را که فاشتقم کما امرت و من تاب مکتب این امر الهی را ما اجرا کنیم. امام جای دیگر با روایتی از پیامبر توضیح می‌دهند که این آیه رسول خدا را پیر کرد و بعد به نقل از استاد خود آیت الله شاه آبادی علت پیر شدن پیامبر با این آیه را توضیح می‌دهند: این آیه در سوره‌های دیگر هم هست، ولی چرا رسول خدا می‌فرماید سوره هود مرا پیر کرد؟ برای اینکه یک جمله اضافه می‌کند و آن جمله «من تاب معک» است. یعنی هم رسول خدا باید استقامت کند و هم جامعه را به استقامت همراه کند.

امام توضیح می‌دهد که چه بسا در قیامت از پیامبر درباره استقامت امتش سوال کنند. بازگردیم به ابتدای متن. از اقامه مهمتر اینست که فرهنگ مقاومت را ایجاد کنیم تا استقامت همواره زنده بماند و برای ایجاد فرهنگ مقاومت هیچ راهی نیست جز ایجاد ساختارهایی نیست که قیام کننده و مجاهد تربیت کند و این یعنی نظام سازی. یعنی حکومت اسلامی.

اینجاست که روشن می‌شود چرا محمدالضیاف فرزندان خمینی است. انقلاب ما تجلی فاستقم کما امرت و من تاب معک است. البته در ابتدای راهیم اما هر جای عالم مجاهدی قیام کرد و بر ظلم تاخت و از مظلوم دفاع کرد تربیت یافته مکتب خمینی است.

شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران و تمایزات آن با دیگر انقلاب‌های جهان

حمیدرضا شاکرین



این انقلاب توانسته است نیازهای متنوع بشر را در ابعاد مختلف زندگی پاسخ دهد و الگویی برای تحولات اجتماعی و سیاسی در عصر حاضر ارائه کند.

قدرت تاب‌آوری انقلاب اسلامی در برابر چالش‌ها و دشواری‌ها نیز یکی از شاخص‌های مهم آن است. این انقلاب توانسته است بحران‌های بزرگ را با کمترین هزینه پشت سر بگذارد، که این ویژگی برای دنیای امروز بسیار قابل توجه است.

همچنین، حیثیت اخلاقی انقلاب اسلامی آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند. در حالی که بسیاری از انقلاب‌های جهان با خشونت و خونریزی همراه بوده‌اند، انقلاب ایران به عنوان انقلاب «گل» شناخته می‌شود که نماد زیبایی، اخلاق و معنویت است. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده ظرفیت انقلاب اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای اخلاقی و معنوی بشر امروز است.

انقلاب اسلامی ایران با شاخص‌هایی مانند جهان‌بینی الهی، چندوجهی بودن، قدرت تاب‌آوری و اخلاق محوری، به عنوان یک الگوی منحصر به فرد در تاریخ انقلاب‌های جهان مطرح می‌شود.

تأکید رؤسای مجلس ایران و عراق بر توسعه روابط

محمود المشهدانی رئیس جدید مجلس نمایندگان عراق که در رأس هیئت پارلمانی بلندپایه وارد تهران شده بود، صبح دیروز (دوشنبه، ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۳) با ورود به بهارستان مورد استقبال رسمی هم‌تای خود، دکتر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و با وی دیدار و گفت‌وگو کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس مجلس نمایندگان عراق ضمن اشاره به جایگاه دو کشور ایران و عراق در تحولات منطقه بر لزوم توسعه روابط دو کشور تأکید کردند.

راهبرد امام سجاد (ع) برای بازتعریف اسلام ناب

قاسم ترخان

قیام حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) که در برابر انحراف در دین اسلام و برای اصلاح امت اسلامی صورت گرفت، به‌گونه‌ای بسترسازی برای اقداماتی بود که ائمه پس از ایشان برای بازتعریف اسلام ناب و بازگرداندن جامعه اسلامی به مسیر اصلی خود انجام دادند و نخستین پرچمدار این حرکت مهم پس از قیام سیدالشهدا(ع)، فرزند ایشان، امام سجاد(ع) بودند. حجت‌الاسلام دکتر قاسم ترخان، مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با قدس، به راهبردهایی پرداخت که حضرت زین‌العابدین(ع) در طول دوره ۳۴ ساله امامت، برای انجام مأموریت خود از آن بهره برد.

انحراف در جامعه اسلامی از سقیفه آغاز شد

حجت‌الاسلام دکتر ترخان در ابتدا و با اشاره به اینکه دوران امامت حضرت سجاد(ع) از پر اختناق‌ترین دوره‌های امامت شیعه است، توضیح می‌دهد: انحرافی که در جامعه اسلامی ایجاد شده بود به زمان سقیفه بازمی‌گردد؛ بزرگ‌ترین انحرافی که در جامعه اسلامی پدید آمد، انحراف در حاکمیت جامعه اسلامی بود. سخن ما معنای دیگری از اهمیت امامت است که بدون آن انگار پیامبر(ص) کاری را انجام ندهاده است؛ «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». او اضافه می‌کند: آن انحراف به جایی رسید که به فرمایش امام حسین(ع) «لَا تَزُوْنُ اِلَى الْحَقِّ لَّا يُعْمَلُ بِهِ، وَ اِلَى الْبَاطِلِ لَّا يُتَنَاهَى عَنْهُ»؛ به باطل عمل می‌شد و جامعه اسلامی پیرو حق نبود و این نشان از کم‌رنگ بودن معنویت در جامعه داشت. در آن شرایط، جامعه از حیث اخلاقی به انحطاط دچار شده و به جاهلیت پیش از اسلام برگشته بود. جامعه‌ای که خلیفه ناهل آن شرب خمر کرده و بیت‌المال را ملک طلق خود به حساب می‌آورد.

حفظ دستاوردهای عاشورا بزرگ‌ترین راهبرد امام سجاد(ع) بود

عضو هیأت علمی گروه کلام پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی با اشاره به فرموده‌های اهل بیت(ع) درباره این انحرافات ادامه می‌دهد: به‌طور نمونه، امام باقر(ع) فرمود: پس از پیغمبر(ص) مردم دوباره به جاهلیت پیشین که قرآن از آن به جاهلیت اولی تعبیر کرده است، برگشتند؛ جاهلیتی که قیام امام حسین(ع) را باید در راستای از بین بردن آن و بازسازی چهره اسلام ارزیابی کرد. دکتر ترخان می‌گوید: روش جلوگیری از انحراف به اقتضای شرایط و زمانه متفاوت است؛ اقتضای شرایط امام حسین(ع) این بود که راه شهادت را در پیش بگیرد، اما دوره امام سجاد(ع) چنین نیازی نداشت و باید پیام قیام منتقل می‌شد؛ وظیفه امام

سجاد(ع) استمرار، نشر و تبیین حرکت، پیام و راهی بود که امام حسین(ع) از با قیام خود آن را ایجاد کرده بود. او در ادامه با بیان روایتی از امام سجاد(ع) برای ترسیم وضعیت موجود آن زمان می‌گوید: امام(ع) بیان می‌کند، در میان قوم خود همچون بنی‌اسرائیل در میان آل‌فرعون هستیم که فرزندان آن‌ها را می‌کشند و زنانشان را به کنیزی می‌بردند؛ مردم با دشنام دادن به بزرگ و سید ما به دشمنان ما تقرب می‌جویند؛ آن‌ها حق ما را گرفته و هیچ حقی برای ما نمی‌شناسند. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره راهبردهای امام(ع) برای انجام مأموریت خود توضیح می‌دهد: راهبرد امام نظامی نبود، از این رو ایشان در متن قیام‌هایی که پس از عاشورا اتفاق افتاد، حضور نداشت؛ اگر چه امام از قیام مختار در برخی مواقع تجلیل کردند اما تلاشی که ایشان انجام داد، تلاش بنیادین و فرهنگی بود. دکتر ترخان تأکید می‌کند: امام(ع) تلاش می‌کرد شعله‌ای را که اباعبدالله در کربلا روشن کرده بود برای همیشه برافروخته نگه دارد؛ به بیانی دیگر از دستاوردهای امام حسین(ع) محافظت و پیام ایشان منتقل شود؛ این راهبردی است که امام(ع) در تمام زندگی خود آن را پیگیری کرد.

امام سجاد(ع) با جریان‌های انحرافی مبارزه کرد

حجت‌الاسلام دکتر قاسم ترخان یادآور می‌شود: سخنرانی امام سجاد(ع) پس از واقعه عاشورا در مسجد اموی شام تحولی عظیم در بینش مردم درباره امویان به‌وجود آورد. در این سخنرانی، امام در مورد انحرافی که پس از سقیفه ایجاد شده بود روشنگری و سیمای امامت را روشن و معرفی کردند. او می‌گوید: امام سجاد(ع) در آن سخنرانی، پس از معرفی خود، وقتی می‌گوید من فرزند پیغمبر(ص) هستم، به چند جمله کوتاه بسنده می‌کند، اما وقتی نوبت به معرفی امام علی(ع) که نماد امامت است می‌رسد، ویژگی‌های امیرالمؤمنین(ع) را بسیار کامل توضیح می‌دهد. این به معنای آن نیست که فضائل امیرالمؤمنین(ع) از پیامبر(ص) بیشتر است؛ بلکه به این معناست پیامبر(ص) نیازی به معرفی بیشتر برای این مردم ندارد، زیرا همه او را قبول و باور داشتند. امام از این فرصت برای تبیین سیمای امامت بهره بردند.

دکتر ترخان به راهبرد دیگر امام(ع) نیز اشاره کرده و خاطر نشان می‌کند: از راهبردهای دیگر امام تبیین چهره واقعی اسلام از طریق دعا و همچنین مبارزه با جریان‌های انحرافی بوده است. ایشان با گروه‌ها و فرقه‌های منحرفی مانند غالیان، جبرگرایان، معتقدان به تشبیه و تجسیم و اهل تصوف و زاهدانمایان روبه‌رو



بودند و از راهبردهای مهم ایشان مبارزه با جریان‌های انحرافی به شیوه‌های مختلف و روشنگری در این زمینه بود.

اگر اقدامات امام سجاد(ع) نبود حرکت علمی امام باقر(ع) اتفاق نمی‌افتاد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه به مورد مهم دیگری از راهبردها اشاره کرده و می‌گوید: محمد بن مسلم زهری، یکی از عالمان درباری بود که به نفع حکومت اموی کتاب می‌نوشت، جعل حدیث می‌کرد و از این طریق به اهداف شوم آن‌ها کمک می‌نمود. امام(ع) به مبارزه با او و دیگر عالمان درباری پرداخته و می‌فرمود: اگر بنی‌امیه جنایت و ظلمی مرتکب می‌شوند، شما هم در جرم آن‌ها شریک هستید.

حجت‌الاسلام ترخان با بیان اینکه جامعه در عصر سیدالشهدا(ع) و زین‌العابدین(ع) دچار چنان انحرافات شده بود که اگر اقدامات فرهنگی امام سجاد(ع) نبود حرکت علمی امام باقر(ع) اتفاق نمی‌افتاد، تشریح می‌کند: از راهبردهای مهم امام سجاد(ع) تربیت نیروهای فرهیخته است؛ اگر چه امام در متن جامعه حضور جدی نداشت، اما در طول ۳۴ سال امامت و در آن شرایط خفقان شدید توانست ۱۷۰ شاگرد تربیت کند؛ شاگردانی که کمک بسیاری برای ادامه دادن مسیر امامت توسط امام باقر(ع) بودند.

مدیر گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه به داستان مدح امام سجاد(ع) توسط فرزند، شاعر بلندپایه دربار اموی نیز اشاره کرده و می‌گوید: بر خورد احترام‌آمیز مردم در مسجدالحرام که راه را باز کردند تا امام(ع) بتواند حجرالأسود را استلام کنند و شعر فرزند در مدح ایشان، در مقابل هشام، خلیفه و حاکم قدرتمند اموی، نشان از موفقیت امام در راهبردی دارد که آن را پیگیری می‌کرد.

انقلاب اسلامی احیاگر معنویت در عصر مدرنیته

موسی نجفی

گزیده گفت‌وگو با جیم با دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

انقلاب اسلامی علاوه بر این که از سنت الهام گرفته بلکه احیاکننده سنت نیز هست؛ آن‌هم در زمان چیرگی گفت‌وگو مدرنیته بر غرب و جهان. به عبارتی در سطره جهانی مدرنیته، به‌ناگهان یک انقلاب سنتی و الهام گرفته از سنت با شعار نه کمونیسم شرقی و نه سرمایه‌دار غربی یعنی: نه مکتب مارکسیسم، نه مکتب لیبرالیسم، به جهان با گذاشت. این ویژگی برای بسیاری از ملت‌ها جاذبه داشت؛ زیرا اکثر ملت‌های جهان از نظام دوقطبی از نظر سیاسی و اقتصادی با فرهنگی، صدمه‌هایی دیده بودند و تمایل داشتند که ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای و ملی خودشان را حفظ کنند یا سر پای خودشان باشند اما در نظام دوقطبی جهان آن روز، شدنی نبود. انقلاب اسلامی و استقلالی که با شعار «نه شرقی، نه غربی» در چیرگی جنگ سرد به ارمغان آورد، امید تازه آفرید که هنوز نیز همچنان امیدبخشی و امیدآفرینی ادامه دارد و زنده و تنیده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی نیز که نظم نوین جهانی برقرار شد، غربی‌ها خود را یکه‌تاز شمرده؛ چنان می‌دیدند که انگار جهان در سطره و چنبره آنهاست اما باز هم انقلاب اسلامی نشان داد که پایگاهش نه به مخالفت با شرق متکی بوده و نه به غرب تمایلی داشته بلکه به‌راستی استقلال دارد.

فوکو در نوشتار مشهورش «ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند» تأکید دارد که ایرانی‌ها چیزی را به ما یادآوری کردند که ما چهار سده است از آن غفلت داشته‌ایم. یعنی حضور معنویت را در زندگی روزمره فرایدمان آوردند؛ زیرا ما معنویت را به حاشیه زندگی‌مان رانده‌ایم و آن‌را از سطوح سیاست و اقتصاد و مناسبات حتی شهری‌مان حذف کرده‌ایم. با این حال ایرانی‌ها به ما یادآوری می‌کنند که باید دوباره به آن معنویت برگردیم. پشتوانه این فلسفه سیاسی، همان احیای سنت است به‌ویژه سنت مقدس،

زیرا سیاست اصولا با مکتب کمونیسم و لیبرالیسم نامقدس شد، سکولار و این جهانی شد و تا سطح نازل منفعت‌طلبی و منافع ملی تقلیل یافت.

وعده‌های صادق ۱ و ۲ بیش از آن که شلیک موشک‌هایی نظامی باشد، شلیکی فرهنگی بود؛ شلیک فلسفه سیاسی، به عبارتی نشان داد این ما هستیم که همیشه اسرائیل غاصب را شکستیم. این که به هدف خورد یا نخورد یا چقدر تخریب داشت یا نداشت مربوط به مراحل بعدی است و مهم همان است که همیشه رژیم غاصب با دست ما فروریخت. به‌ویژه که جهانیان دریافتند از ایران اسلامی، موشک‌هایی شلیک می‌شود که هیبت ابرقدرت‌ها را به خاک فروری‌ریزد. درحالی که نه‌تنها همه غرب پشتیبان و کمک‌کار رژیم غاصب بودند بلکه کشورهای وابسته عرب نیز در رساندن کمک‌های لجستیکی و ... کم نگذاشتند؛ مثلا مصر و اردن حتی آسمان عراق را در اختیار اسرائیل گذاشته بودند؛ اما موشک‌های ما همه این چنبره‌های پیشگیرانه و دفاعی را در هم شکست و به عبارت روشن‌تر تاپوها را فروریخت. این شکستن تاپو و هیمنه بسی مهم‌تر از ایجاد تخریب با چند موشک بود. به همین جهت می‌گوییم این برآیند تصمیم‌گیری یک دولت یا رایزنی‌های چند مسئول دولتی به‌شمار نمی‌آید، بلکه سرریزیدن اندیشه‌ای است که پس از چهار دهه به منصف ظهور رسیده است.

انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌ها مثلا انقلاب فرانسه یا روسیه، کشته‌ناشت و بیشتر کشته‌های انقلاب اسلامی در همان جنگ تحمیلی یعنی دوران دفاع مقدس بود. شما همین سوریه را ببینید؛ با این که یک کودتاست که داعشی‌ها علیه حکومت راه انداختند اما تا الان، بسیار کشته، اعدام خیابانی و کشتار اقلیت‌ها داشته است. ما در انقلاب اسلامی سابقه چنین خشونت‌هایی



نداشته‌ایم و نداریم. حتی درباره بهایی‌ها نیز گزارش نشد و نبود و یک نمونه نداشتیم که یک نفر را پیش روی خانواده‌اش در خیابان بر بالای دار کشیده باشند. حتی جنایتکاران و ساواکی‌ها که در حکومت‌نظامی به آدم‌کشی پرداختند یا خود نصیری، رئیس ساواک پس از محاکمه اعدام شد. هیچ کجا بدون محاکمه به چنین کاری دست نزدند.

اکنون یمنی‌ها شاید قدر انقلاب اسلامی را بیشتر از ما می‌دانند و به ابعاد و قدرش واقف‌ترند. انگار، فقط نگاهی به شمار شرکت‌کنندگان ده‌هزار نفری یمنی‌ها در نمازهای جمعه می‌تواند سنج و نشانگر خوبی باشد. برخی مواقع ممکن است ما در اینجا شعاری بدهیم ولی کشورهای دیگر به آن شعار بسی بهتر از ما پایبند باشند و عمل کنند. چنانچه قدر این انقلاب و ارزش‌هایش را بدانیم با این عزت جهانی و بین‌المللی که برای ایران داشته و خواهد داشت؛ فی‌ها! اما اگر قدرش را چنان که باید و شاید ندانیم، ممکن است این انقلاب به کشورهای دیگر برود، و آنها از ما بگیرند و جلوتر بیفتند.



انقلاب فکر

علی‌مهدیان

دو سخنرانی اخیر رهبری را باید در کنار هم ببینیم. درباره بعثت و درباره قرآن.

در هر دو یک اتفاق مهم و خارق‌العاده توسط امت پیامبر (ص) رمز‌گشایی می‌شود. آنهم پیروزی منطقه کوچکی به نام غزه بر کل دستگاه استخبارات غرب و آمریکا. این اتفاق کوچک نیست. به تعبیر ایشان در دیدار با تولیدکنندگان، شبیه افسانه است.

عجیب نیست؟ بعثت امت، اعجاز امت.

ایشان هم بعثت را امر جریان‌دار در تاریخ می‌داند و هم معجزه‌ای به نام قرآن را.

جالب است که دقت کنیم قرآن کلام است، وحی است. یعنی طبیعتا در مقوله علم و معرفت قرارش می‌دهند اما آن را اعجاز هم می‌دانند یعنی ذیل مقوله قدرت نیز قرار می‌گیرد. قدرتی که اثبات می‌کند دائما مسیر حق را و مسیر خدا و پیامبرش را.

در ماجرای بعثت حضرت آقا راز امتداد بعثت را تحول در فکر دانستند. انقلاب فکر غیر از انقلاب در علم است. بحث در نوع نگرش و محاسبه ناشی از آن است.

انقلاب در فکر باعث می‌شود قواعد و سنت‌های عالم را ببینیم و بفهمیم و بکار بگیریم و نتیجه‌اش را به چشم آوریم. قرآن چنین می‌کند. باعث انقلاب در فکر می‌شود. بروز و ظهور قرآن فقط به نگاشتن آن در اوراق نیست بلکه عمل به آن باعث می‌شود این اعجاز وجه قدرت خارق‌العاده خود را به عالم نشان دهد.

غزه یک نمونه است. کل مسیر چهل و چند ساله انقلاب ایران هم‌اش گام به گام همین بوده.

چه کسی فکر می‌کرد در حالیکه همه دنیا و قواعد پذیرفته شده استخباراتی‌اش مقابل یک جامعه با دست خالی است، این جامعه گام به گام بت‌های عالم را بشکند و پیش برود؟ یعنی همه ساختارها و نظام استخباراتی ترک بردارد و بریزد از زدن پهلوهای‌ها تا شکست نظامی دنیا در جنگ، تا درگیری با همه افکار و اندیشه‌های نفوذی و مسموم غربی، تا فشار حداکثری اقتصادی و امنیتی و جنگ شناختی، حالا نیز خورد کردن اراده آمریکا در منطقه و شکست اسرائیل و همین‌طور و همین‌طور.

ماجرای ماجرای بعثت امت است ماجرای اعجاز به دست امت است.

انقلاب فکر که با دست بردن پیامبر ختمی و قرآن او در عقل و ایمان امت آرام آرام شکل می‌گیرد، اتفاق بزرگی است. امروز همه ما به چنین واقعه‌ای محتاجیم. این انقلاب در فکر باعث خواهد شد نگاه ما از اندیشه استخباراتی متداول و عادی شده در دنیا خلاص شود. در صحنه اندیشه آزاد شویم تا عالم را از بند طاغوت خلاص کنیم. (تسنیم)

کشف حجاب شخصی سازی پوشش

نیست بلکه تقابل با اسلام سیاسی است

محسن قنبریان

از دهه ۹۰ مهندسی دقیقی برای جمع‌برداری بین وجهه زنانه و وجه مشترک انسانی زن برای تغییر سیاسی طراحی شد که در جنبش زن زندگی آزادی بروز نهایی یافت. کشف حجاب اینجا نه صرفا شخصی‌سازی پوشش فردی بلکه نوعی کمپین‌سازی علیه اسلام سیاسی بود. پوشش، قدر مشترک زنان است که اسلام درباره آن فرامینی دارد. وجه اصلی اسلام سیاسی هم قائل به حکومت بودن و دخالت آن در تحقق ارزشها و احکام اسلامی است؛ پس کشف حجاب در این موقعیت دیگر یک انتخاب سلیبگی و شخصی نیست، بلکه جزئی از تقابل با اسلام سیاسی قلمداد می‌شود.

قرار دادن درصدی از زنان در این موقعیت، حس پیشرانی تغییر به آنها می‌دهد. دیگر زنان با کشف حجاب خود را ملعبه مردان هرزه -چنانچه در حکومت پهلو بود- نمی‌بینند؛ بلکه آنها کنشی موثر در تغییر سرنوشت اجتماعی و جزئی از مبارزه مدنی سیاسی می‌بینند! از همین‌جاست که رهبر جمهوری اسلامی آنها را حرام سیاسی خواند.

پیش زمینه های بحران سوریه بخش سوم

هادی معصومی زارع



علوی و حامی مقاومت بودن نظام

نکته بسیار مهمی که نباید فراموش کنیم این است که در سوریه عاملی وجود دارد که این کشور را با دیگر کشورها متفاوت می‌کند: عامل شیعی یا علوی و نقش ایران در این کشور. هر کجا اکثریت سنی مذهب نقش و حضور دارند، اگر عامل شیعی باشد، با تندتیزترین واکنش‌ها از سوی کنشگران سنی مواجه می‌شویم. می‌توانم اثبات کنم و امضا دهم که اگر نظام سوریه نظامی سنی بود (ساختار نظام به طور کامل سنی بود و علویان در آن نقش و قدرت اصلی را نداشتند) یا این نظام به هر دلیلی از ایران دور بود، معارضان با نظام بسیار مماشات می‌کردند. خود بشار هم مکرر این را گفت که به من گفتند اگر از ایران جدا شوی، ما خیابان‌ها را آرام می‌کنیم. چنانچه همین معارضان در مصر پس از اینکه آقای سیسی در میدان رابعه غدویه، به ادعای نظام مصر ۸۰۰ نفر و به ادعای خود اخوانی‌ها بیش از ۳ هزار تن را در دو ساعت و نیم قتل‌عام کرد- فیلم‌هایش موجود است- شعار سر دادند مسالمت‌آمیز بودن ما از گلوله هم قوی‌تر است (سلمیتنا اقوی من الرصاص)؛ هر چند نظام مصر از ایشان کشت، گفتند ما دست به اسلحه نمی‌بریم. اما در سوریه به دلیل وجود عامل علوی و شیعی و ایران، فضا بسی بسیار رادیکال است. اساساً آن ذهنیت اکثریت‌دوگی سنی در تعامل با اقلیتی شیعی بویژه در جایی که حاکم هست، بسیار تندتیزتر عمل می‌کند و به سرعت واکنش‌هایش رادیکال می‌شود.

■ چه کسی به اسد گفته بود اگر از ایران جدا شوی ما خیابان‌ها را از مردم خالی می‌کنیم؟
این را آقای بشار اسد خودش در مصاحبه گفت. دقیق حضور ذهن ندارم که نام برد یا نه، ولی به رهبران همین کشورهای حامی معارضان و به کشورهای حاشیه خلیج فارس یا شاید هم ترکیه اشاره کرد.

■ بشار چرا برای بقای خودش این کار را نکرد؟ هر حکومتی مهمترین مسئله برایش بقاست. چرا در آن لحظه حداقل عقل زیستی و بقای بشار به او حکم نکرد که این را بپذیرد و فاصله بگیرد. می‌توانست از آن خطر و بحران برهد و بعداً به ایران نزدیک شود. اینطور نیست که هر وعده‌ای بدهند عمل کنند. من در بخش اول گفتم که در زمان حافظ، در همان ماجرای مذاکرات با اسرائیل هم که وارد شدند، این هوش و ذکاوت را داشتند که با دست خالی نمی‌توان به طرف مقابل اعتماد کرد. اصلاً سیاست عرصه اعتماد نیست، عرصه خلق نیاز و پاسخگویی به نیاز است. به همین دلیل است که در سیاست به هیچکس نمی‌توانید اعتماد کنید. هر که در سیاست در شرایطی که دستش خالی است و دیگری به آن نیاز چندانی ندارد به دیگری اعتماد کرد، مسئله اصلی برای عبور از او مسئله زمان خواهد بود. چه، آقای سادات وارد مذاکره با اسرائیلی‌ها و تعامل کمپ دیوید شد، لیکن آقای حافظ اسد تا آخر هم وارد توافق نشد و امضا نکرد، چون می‌دانست اینها ضمانت اجرا ندارند و مسئله عبور از حافظ اسد مسئله گذر زمان است.

تجربه بعدی هم نشان داد که سعودی و امارات از تمام انقلاب‌های بعدی هم عبور و همه را سرکوب کردند. آنان به زمامداری که ۳۰ سال با ایرانیان کار کرده و به ایران نزدیک است رحم نمی‌کنند. اگر هم در دوره کوتاهی از ایران جدایش می‌کردند، هنگامی که تمام ابزارهای قدرتش را می‌گرفتند، نوبت به سقوط خود آقای بشار می‌رسید. بشار این را خوب می‌دانست که با تجربه عملکرد کشورهای خلیج فارس در دهه‌های گذشته، قول ایشان قابل اعتماد نیست و نمی‌تواند بدینان اتکا کند. از این جهت آقای بشار اسد هوش و ذکاوت داشت، چه در تعامل با کشورهای عربی چه در تعامل با اسرائیل.

انتعاف نشان دادن نظام

می‌خواهم به ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱ بروم، یعنی ۴۸ روز پیش از شروع شلوغی‌ها در سوریه؛ اتفاقات بهار عربی از چند ماه قبل از دسامبر ۲۰۱۰ در تونس شروع شده‌است. بشار اسد با وال استریت‌ژورنال آمریکا گفتگویی دارد. ایشان می‌گویند ما در سوریه ۲۰۱۱ شاهد انتخابات محلی هستیم. قانون جدید رسانه ابلاغ می‌شود، قانون جدید احزاب را نگارش و تصحیح می‌کنیم و اجازه می‌دهیم احزاب دیگری غیر از حزب بعث هم شکل بگیرند (چون مانند عراق بعثی که احزاب دیگر ممنوع بود، در اینجا هم ممنوع بود). این نشانه این است که نظام از قبل از اینکه شراره‌های آتش به سوریه برسد و تظاهرات آنجا آغاز شود، خودش کاملاً ترسیده و متوجه است که احتمالاً اینها به سوریه خواهد رسید. البته بشار اسد در همین سخنرانی می‌گوید ما نگران نیستیم چون مردم نظام و حکومت را دوست دارند.

در ۱۸ مارس تظاهرات‌ها شروع می‌شود. ۲۶ مارس نظام ۲۶۰

نظامی کرد و اسلام‌گرا و مدنی را آزاد می‌کند. فردای آن روز در ۲۷ مارس (۹ روز بعد از حوادث ۱۸ مارس که ۴ نفر کشته می‌شوند) آقای فاروق شرع می‌گوید در خلال ۲ روز آینده آقای بشار اسد تصمیمات مهمی را اعلام می‌کند که بسیار اثرگذار است و مردم خوشحال خواهند شد. همان روز مجلس خلق سوریه بشار اسد را به مجلس فرامی‌خواند برای اینکه نسبت به اتفاقات توضیح دهد.

در همین روز باز اتفاق مهمی می‌افتد: آقای رجب طیب اردوغان در سفری که به عراق دارد، قبل از اینکه بدانجا برود، با خبرنگاران مصاحبه می‌کند و می‌گوید من در ۲-۳ روز گذشته دو بار با بشار اسد تلفنی گفتگو کردم و از او خواستم که به سخن مردم گوش دهد و او هم پاسخ مثبت داده؛ بشار و نظام سوریه دارند تلاش می‌کنند که تشکیل احزاب سیاسی را آزاد کنند و قانون حالت اضطراری را لغو کنند و ما امیدواریم این اتفاقات سریع‌تر بیفتد.

۳۰ مارس، آقای بشار اسد به مجلس خلق می‌رود و می‌گوید این توطئه‌های خارجی علیه ماست ولی اصلاحات را شروع کرده‌ایم، به نیروهای امنیتی دستور داده‌ایم که تظاهرکنندگان را هدف قرار ندهند و تلاش می‌کنیم اتفاقات ۱۲-۱۳ روز گذشته را جبران کنیم؛ قول می‌دهد این اتفاقات را جبران کند. روز بعد، کمیته لغو قانون شرایط اضطراری ۱۹۶۳ شکل می‌گیرد و کمیته‌ای هم در خصوص کشتارها در عراق شکل می‌گیرد که به کشتارها رسیدگی کند.

■ در لحظات آغازین و زمان سخنرانی بشار در ۳۰ مارس، آیا درگیری‌های داخلی هم وجود داشت؟ حرس قدیم و جدید مشغول جنگ بودند و وضعیت خانواده اسد تحت خطر بود؟ یا در مقابل ترس از انفجار نیروهای داخلی همه همدست و یکنواخت شده بودند؟

هنوز در دمشق اتفاقات خاصی که بعداً مشاهده می‌شود، شروع نشده. در آن زمان نظام هنوز در شوک است. البته نظام سوریه اعتماد به نفسش را دارد ولی در شوکی به سر می‌برد. تصورش این بود که به دلیل سیاست ضداسرائیلی و محبوبیتی که به سبب سیاست خارجی خود در این سال‌ها در داخل کسب کرده و امکاناتی رفاهی که از دهه‌های قبل در اختیار عموم مردم بوده، این اتفاق در سوریه نخواهد افتاد. واقعاً خود نظام اینجا در شوک فرورفته که چرا این اتفاق در سوریه افتاده.

با این حال، علایم این عقب‌نشینی در حدود ۶۰ روز پیش از این در همان مصاحبه بشار اسد با وال استریت‌ژورنال مشاهده می‌شود. عقب‌نشینی‌ها در حوزه قانون احزاب و آزادی رسانه‌ها و... از همان زمان نظام عقب‌نشینی را آغاز کرده با این هدف که این اتفاق نیفتد. اینجا هم قول‌هایی که می‌دهند مبنی بر جبران اتفاقات دو هفته پیش، به نظرم ناشی از این است که نظام دچار شوک شده و تلاش می‌کند به شکلی رضایت مردم را به دست آورد و تظاهرات‌ها را در سوریه آرام کند.

■ هنگام این گفتگو حمایت زیادی از او می‌شود. در همین سخنرانی می‌بینیم که از گوشه و کنار مجلس کسانی بلند می‌شوند و مجیز خوانی می‌کنند و می‌نشینند. بنابراین حمایت تمام عیار از داخل سیستم دارد.

بله. حمایت که طبیعی است. اینکه انتخابات آزاد چقدر در سوریه معنا داشته‌باشد و تا چند بشود این افراد را نمایندگان واقعی همه مردم دید، محل تأمل و سؤال است؛ ولی این یک واقعیت است که برخلاف بسیاری از دیکتاتورها و مستبدان دیگر عرب، اسد در کشور سوریه بسیار آزاداندیش‌تر و بازتر و محبوب‌تر بود. می‌شود اینطور ادعا کرد که در بین ۴۰-۵۰٪ مردم، اسد و سیاست‌های نظام محبوبیت داشت. فیلم‌های تظاهرات را می‌بینید و می‌گویید این همه جمعیت بیرون آمد. من می‌گویم در نظامی اگر کاملاً نامشروع باشد و بالای ۸۰-۹۰٪ مردم ناراضی باشند، جمعیت بمراتب بیشتر از این خارج می‌شود. داده‌های دیگری هم دارم که چطور در خلال جنگ، بخش‌های مهمی از شهروندان هیچگاه نه در تظاهرات‌ها نه در جنگ، وارد نشدند و حتی در فضای مجازی حاضر نشدند علیه نظام موضع بگیرند. نه از بهر اینکه به طور کامل موافق نظام بودند، بلکه چون نخست، جایگزین بهتری دیده نمی‌شد و دو دیگر، به دلیل بخشی از سیاست‌های درست نظام بویژه در حوزه سیاست خارجی.

فروغلتیدن به جنگ داخلی

بنابراین حتی قبل از آغاز تظاهرات‌ها، بشار اسد یک سری عقب‌نشینی را از طریق مصاحبه با وال استریت‌ژورنال اعلام می‌کند و پس از آغاز این تظاهرات‌ها، نشانه‌های کوتاه آمدن نظام را در همان یکی دو هفته آغازین می‌بینیم و در روزهای بعدی هم عذرخواهی ضمنی انجام می‌شود و قول جبران داده می‌شود و کمیته تحقیق شکل می‌گیرد.

پرسشی که درباره سوریه مطرح می‌شود این است که چگونه این بسیار سریع به مرحله مسلحانه کشید؟ از فاز اولیه که مسالمت‌آمیز است تا فاز دوم که مسلحانه است، بیش از چند هفته طول نمی‌کشد و اینجاست که ما را وارد روایت‌های دیگری می‌کند.

من فکر می‌کنم مسئله اینکه از کجا شروع شد در بحران سوریه اهمیت اصلی ندارد. ممکن بود این اتفاق از دمشق یا ادلب شروع شود. ولی شاید اگر این اتفاقات از جای دیگری رخ می‌داد، نه اینکه کاملاً با اتفاق متفاوتی مواجه می‌بودیم، اما شاید در کم ویژگی برجسته‌ای دارد که منجر به این شد که نخست، حوادث به سرعت مسلحانه‌تر شود، دوم، بسیار توسعه پیدا کند: یکی ویژگی عشائری و قبایلی در عاست و دیگری همسایگی‌اش با مرز اردن و اسرائیل. عرض کردم نظام عشائری کلاً نظام متفاوتی است.

شروع شود. ولی شاید اگر این اتفاقات از جای دیگری رخ می‌داد، نه اینکه کاملاً با اتفاق متفاوتی مواجه می‌بودیم، اما شاید در کم ویژگی برجسته‌ای دارد که منجر به این شد که نخست، حوادث به سرعت مسلحانه‌تر شود، دوم، بسیار توسعه پیدا کند: یکی ویژگی عشائری و قبایلی در عاست و دیگری همسایگی‌اش با مرز اردن و اسرائیل. عرض کردم نظام عشائری کلاً نظام متفاوتی است.

■ پس ساختار عشیره‌ای هر جا باشد، از صفر تا صد خشونت خیلی سریع‌تر طی می‌شود.

طبیعتاً. ما تقریباً این ساختار را در مرکز نداریم. ممکن است در حاشیه داشته باشیم و برای همین حاشیه ما معمولاً ملتهب‌تر است. یکی از دلایل این فرهنگ عشائری است. مثلاً اگر در خوزستان قتلی اتفاق بیفتد، کنترل آن قتل بمراتب دشوارتر است از جایی مثل تهران و مشهد و شیراز. عشیره به سرعت بسیج می‌شود. در مسئله انتقام، عشیره وارد می‌شود. فرد تنها نیست، با یک نظام هسته‌ای مواجه نیستیم، با نظام گسترده زیستی مواجه ایم که بلافاصله همه بسیج می‌شوند.

خود مسئله بیابان مهم است. اساساً شما مقایسه جایی مثل تهران با جایی مثل درعا یا دیرالزور مقایسه درستی نیست. چنانکه خود دمشق (قلب دمشق) و قلب حلب و قلب حما، با مناطق پیرامونی متفاوت است.

من در سفرنامه افغانستان که دارم می‌نویسم این را باز می‌کنم که اساساً نظام قبایلی نظام قانون‌بردار نیست. بویژه هنگامی که با بادیه ترکیب می‌شود. اولاً میل به تندوتیز (شارپ) شدن - نمی‌خواهم واژه افراط را به کار ببرم. این واژه را هیچ دوست ندارم- هست؛ در هر طرفی که بایستند، بسیار سریع تندوتیز می‌شوند. اهالی بیابان چندان اعتدال (الوسطیه) را ندارند؛ شاید برای اینکه به سختی با مسائل روبرو اند و با محیطی بسیار سرسخت مواجه. انسان‌های سختکوش و سرسختی اند و زود واکنش‌های سخت نشان می‌دهند. ایدئولوژی‌ها و باورهای انقلابی تند مانند واهبیت، در این محیط‌ها زودتر می‌گیرد تا محیط دارای تمدن شهری.

■ ممکن است شما موافق نباشید، اما در همین ایران هم در روز ۲۵ خرداد سال ۸۸ گفتم می‌شود حدود ۳۰۵ میلیون نفر از مردم تهران فقط به خیابان ریختند ولی این ۳۰۵ میلیون نفر دست به عملیات مسلحانه نزدند. به رغم اینکه بین ۲۵ خرداد و روز عاشورای سال ۸۸ که شش ماه فاصله هست، طبق روایت‌هایی که این طبقه متوسط مخالف و معارض و منتقد داشت، اتفاقاتی افتاد؛ اما سنگ که برداشت، نیروهای اطرافش گفتند سنگ را بگذارید زمین، این خوشونت‌انیم است. در سوریه داستان متفاوت است.

مقایسه ایران با فضای عربی تفاوت‌هایی بنیادی دارد. از حیث اجتماعی، در سوریه با مفهوم مثل عشیره و قبیله مواجه هستیم. همیشه می‌گفتم داعش در عراق بمراتب از سوریه محکم و قوی‌تر می‌جنگید. دلیلش این است که عشیره فرهنگی دارد که در آن خشونت و سریع انتقام تسری پیدا می‌کند، بویژه اگر در مناطق بادیه‌ای و بیابانی باشد. اینها را من در کتاب راه‌های جذب، با تفصیل توضیح داده‌ام.

در مقایسه، در ذات ما ایرانیان مدنیت هست؛ فارغ از اینکه در چه جناح و گروه و حزبی باشیم. این یکی از مزیت‌های مثبت ما ایرانی‌هاست که نظر می‌آید مدنیت در ما بسیار ذاتی شده. این واقعاً ویژگی بسیار مثبت ماست که هیچیک از دو طرف بالاتر از سطحی از مرزهای تندی تجاوز نمی‌کند. ما باید این را قدر بدانیم و تلاش کنیم نهادینه‌ترش کنیم و از آن همچون فرصت استفاده کنیم.

■ متوجه هستم که تغییرات و تفاوت‌های جغرافیایی می‌تواند در خلق و خوی روانشناختی جمعی ملت‌ها اثر بگذارد. ولی در همین ایران هم، طبقات مختلف در زمان‌های مختلف متفاوت رفتار می‌کنند. در ۸۸ شش ماه طول می‌کشد تا کار به سنگ برداشتن برسد، اما در آبان ۹۸ دو روز طول می‌کشد تا کار به اسلحه برداشتن برسد. منظورم این است که در جاهای مختلف شهر و طبقات مختلف هم چنین است. جمله معروف مارکس: آنان که چیزی برای از دست دادن ندارند جز زنجیرهایشان، متفاوت رفتار می‌کنند با کسانی که چیزهای فراوانی برای از دست دادن دارند. من حرف شما را قبول دارم؛ ولی اینکه ایران لزوماً مدنیت دارد، چه بسا ادعای گزافی باشد.

فرمایش شما درست است. من هم اشاره کردم. من حاشیه را که مطرح کردم، ابتدا عرض کردم که ۹۶ و ۹۸ در ایران هم شاهد این تحول هستیم، به دلیل همان فرمایش شما که چیزی برای از دست دادن ندارد پس تندتیزتر می‌شود؛ چون شاید آن طیفی که در ماجرا دخیل است، از طبقه و پایگاه متفاوتی باشد. ما در همین ایران منافقین را داشتیم که آتش زدند و ۱۷ هزار نفر را کشتند از بچه و زن و پیر. این هم در ایران بوده. اما به طور کلی این مدنیت در بین اقشار مختلف در ایران بسی بسیار بیشتر دیده می‌شود تا جاهای دیگر. نمی‌خواهم ادعا کنم همه ما آدم‌های بسیار خوبی هستیم و چقدر خوب ایم؛ من این نگاه‌های شوونیستی (میهن‌دیده) را به ایران ندارم. اما واقعیت این است که به طور عام، مدنیتی که مثل کشور ایران و ترکیه هست، در سطح منطقه بسیار کمیاب است. ایران و لبنان و ترکیه تا اندازه زیادی نسبت به همسایگان و پیرامون خود استثنا اند.



هدف گذاری های اولیه نتانیاهاو

در جنگ غزه شکست خورده است

سید هاشم موسوی

سید هاشم موسوی با اشاره به اینکه در خصوص تحولات اخیر، دو برداشت افراد از پیروزی یا شکست و مشاهدات عینی از این دو مفهوم حائز اهمیت است، گفت: پرسشی که ممکن است برای بسیاری مطرح شود این است که آیا حماس یا فلسطینیان پیروز شده‌اند یا شکست خورده‌اند و در مقابل آیا اسرائیلی‌ها شکست خورده‌اند یا به پیروزی دست یافته‌اند. برای پاسخ به این سوالات، نیازمند بررسی مشاهدات هستیم. باید رویکرد رسانه‌ها و نوع اخباری که از هر دو طرف منتشر می‌شود را تحلیل کرد. همچنین، احساس عمومی پیروزی یا شکست در بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها مورد توجه قرار داد.

وی افزود: نظرسنجی اخیر تلویزیون اسرائیل نشان داد که تنها ۴ درصد اسرائیلی‌ها معتقد هستند در جنگ با فلسطینیان پیروز شده‌اند، در حالی که ۹۶ درصد اعلام کرده‌اند که به اهداف خود دست نیافته‌اند.

این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه نتانیاهاو دولت او در یک سال و نیم گذشته بارها تاکید کرده‌اند که کمتر از نابودی کامل حماس، چه در عرصه نظامی و چه در زمینه سیاسی، رضایت نخواهند داد، اظهار کرد: در این میان، علی‌رغم تمام جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی برای تحقق هدف خود مرتکب شده است، تلاش‌های میانجی‌گرانه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف برای تبادل اسرا شکل گرفت.

وی با اشاره به این موضوع که حماس از ابتدا شروطی برای انجام این تبادل مطرح کرد که رژیم صهیونیستی در ابتدا از پذیرش آن امتناع ورزید و اعلام کرد که نابودی حماس، هدف اصلی است، بیان کرد: با این وجود، اکنون شاهد آن هستیم که همان شروطی که حماس و سازمان‌های بین‌المللی مطرح کرده بودند، به اجرا درآمده است. از سه هدف اصلی دولت نتانیاهاو، تنها یک مورد یعنی بازگرداندن اسرا محقق شده است. هدف دوم و سوم که نابودی حماس در ابعاد نظامی و سیاسی بود، به هیچ وجه محقق نشد.

موسوی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با ذکر این موضوع که در غزه، حماس مسئولیت اداره امور محلی، از جمله پلیس، نهادهای امنیتی و نهادهای مردمی را بر عهده داشت و در طول این مدت، هیچ تغییری در ساختار نظامی و سیاسی این گروه ایجاد نشده است، عنوان کرد: همچنین محموله‌های امدادی و کمک‌های بشردوستانه نیز توسط حماس مدیریت و توزیع می‌شد. در مقابل، تبادل اسرا با نظارت مردم و با تایید حماس انجام شد. نوع تبادل اسرا با حضور مردم و اعلام رضایت فلسطینیان از روند خوشنامی حماس، نشان داد که حماس همچنان در غزه نفوذ دارد.

این کارشناس مسائل سیاسی بیان کرد: تنها هدف محقق شده رژیم صهیونیستی، تبادل اسرا بود که آن هم به شکلی نیمه‌کاره و با مذاکره صورت گرفت. هدف گذاری‌های اولیه نتانیاهاو مبنی بر نابودی حماس و بازگرداندن اسرا بدون مذاکره، محقق نشد.

جمع آوری ۱۰۰۰ ویدئو

از جنایات باند «الجولانی»

■ مردم سوریه دست‌به‌کار شدند؛ جمع آوری ۱۰۰۰ ویدئو

از جنایات باند «الجولانی»

منابع آگاه در سوریه از راه اندازی یک کمپین گسترده برای جمع آوری اسناد جنایات تروریست‌های تحت امر الجولانی خبر دادند.

۳ چالش اصلی خصوصی سازی در ایران

علی نصیری اقدم

مطالعات تطبیقی در خصوص خصوصی سازی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که انتقال موفق از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار، نیازمند یک رویکرد تدریجی و تقویت زیرساخت‌های بازار در چارچوب بخش دولتی است. در این راستا علی نصیری اقدم عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) در گفتگو با مسیر اقتصاد گفت: واگذاری سریع و گسترده بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی بدون ایجاد این زیرساخت‌های ضروری، اغلب به نتایج نامطلوب و شکست آمیزی منجر شده است.

موانع اجرای کامل اصل ۴۴ و خصوصی سازی در ایران

وی با تأکید بر اینکه به جای واگذاری بی‌رویه تمامی بخش‌ها، بهتر است به دنبال یافتن راهکاری باشیم که ضمن بهره‌گیری از مزایای بخش خصوصی، به سمت ایجاد یک ساختار اقتصادی کارآمدتر و عادلانه‌تر حرکت کنیم، افزود: با توجه به تصمیم به واگذاری بنگاه‌های اقتصادی، یکی از چالش‌های اصلی، انتخاب شرکای مناسب برای این انتقال است. تعیین معیارهای دقیق برای انتخاب این شرکت‌ها و همچنین در نظر گرفتن تأثیر قوانین و سیاست‌های موجود، از جمله مواردی است که در این فرآیند باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

نصیری اقدم افزود: قانون اصل ۴۴ به صراحت بر ضرورت واگذاری برخی بنگاه‌ها تأکید دارد. اما فرصت تطبیق برای شرکت‌ها باعث شده تا این روند به طور کامل اجرایی نشود و همچنان ابهاماتی در این زمینه وجود داشته باشد. در نتیجه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، گروه‌های سه‌گانه‌ای شکل گرفت که هر یک ترکیبی از شرکت‌های مختلف با ویژگی‌های متمایز بودند.

نادیده گرفتن تفاوت‌های بنیادین شرکت‌ها؛ مانعی بزرگ در راه خصوصی سازی

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: این شرکت‌ها از حیث نوع فعالیت، بازار هدف (رقابتی یا انحصاری)، امکان تجارت خارجی، میزان دخالت دولت در قیمت‌گذاری، وجود یا عدم وجود نهاد تنظیم‌گر، دریافت یا عدم دریافت یارانه، ابعاد اجتماعی و کارکردهای نهادی در نظام حقوقی با یکدیگر متفاوت بودند. اما به جای آنکه این تفاوت‌های اساسی را مبنای تفکیک قرار دهیم، صرفاً بر اساس ذکر نام فعالیت‌ها در صدر اصل ۴۴، شرکت‌ها را در گروه‌های مختلف جای دادیم. این رویکرد سبب ایجاد مجموعه‌ای ناهمگن از شرکت‌ها در هر گروه شده و ظرفیت‌های موجود در ساختار اقتصادی را نادیده گرفته است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه افزود: یکی از عوامل کلیدی در موفقیت یا شکست فرآیند خصوصی سازی شرکت‌های دولتی، تاریخچه شکل‌گیری و ساختار اولیه آن‌ها است. شرکت‌هایی که از دهه هفتاد و با رویکرد تمرکزگرایی و یکپارچه‌سازی صنایع به وجود آمدند، اغلب دارای ساختارهای پیچیده و بروکراتیکی هستند که فرآیند واگذاری آن‌ها را با چالش‌های جدی مواجه

پیچیدگی‌های انتقال مالکیت در شرکت‌ها، فرآیندی فراتر از یک معامله ساده

وی با اشاره به اینکه انتقال مالکیت در یک شرکت، به سادگی انتقال یک شیء مادی نیست، اضافه کرد: شرکت، یک موجود پویا و پیچیده است. این انتقال، فرآیندی حساس و چندوجهی است که نیازمند توجه به عوامل متعددی است. همان‌طور که نمی‌توان عضوی از بدن را به سادگی به فرد دیگری پیوند زد و انتظار داشت که به خوبی عمل کند، انتقال مالکیت در شرکت نیز مستلزم سازگاری با فرهنگ سازمانی جدید، تطبیق دانش و مهارت‌های فردی با نیازهای شرکت و حتی در نظر گرفتن عوامل روانشناسی است. بنابراین، برای دستیابی به یک انتقال موفقیت‌آمیز، بررسی دقیق و جامع تمامی جوانب این فرآیند ضروری است.

نصیری اقدم اظهار داشت: شرکت‌هایی که در ساختار اقتصاد سیاسی فعالیت می‌کنند، اغلب تحت نفوذ نهادهای قدرتمندی مانند دولت و مؤسسات وابسته به آن قرار دارند. به عنوان مثال، شرکتی که زیر نظر یک وزارتخانه خاص فعالیت می‌کند، در واقع بخشی از یک ساختار اقتصاد سیاسی است که پشتوانه آن یک مقام دولتی قدرتمند قرار دارد. انتخاب نام برای چنین شرکتی بسیار مهم است، زیرا هر نامی می‌تواند پیامدهای خاصی داشته باشد.

چرا شرکت‌های دولتی برای خصوصی سازی آماده نیستند؟

این کارشناس اقتصادی یکی از نکات کلیدی در واگذاری شرکت‌ها را ارزیابی آمادگی آن برای رقابت در بازار دانست و گفت: تصور غلطی که در گذشته درباره بنگاه‌های دولتی حاکم بود، این بود که آن‌ها باید مانند سازمان‌های دولتی عمل کنند و بودجه‌شان نیز دولتی باشد. در حالی که ماهیت یک شرکت، به ویژه در فضای رقابتی، با یک نهاد دولتی کاملاً متفاوت است.

وی ادامه داد: برای واگذاری موفق، شرکت باید ابتدا به صورت مستقل عمل کند؛ یعنی بتواند نیروی انسانی‌اش را بدون محدودیت استخدام کند، بازاریابی فعال داشته باشد و تامین مالی‌اش را خود بر عهده بگیرد. متأسفانه، اعمال محدودیت‌های بیش از حد بر شرکت‌های دولتی در گذشته، مانع از رشد و توسعه آن‌ها شده و مشکلات عدیده‌ای را برایشان ایجاد کرده است.

«حفظ پویایی شرکت‌ها» شرط لازم برای بقای بنگاه‌های اقتصادی

این عضو هیئت علمی دانشگاه با تأکید بر اینکه شرکت‌ها همانند موجودات زنده، برای بقا و رشد به فعالیت مداوم نیاز دارند، افزود: همچون جریان خون که حیات بدن را تضمین می‌کند،



فعالیت‌های مستمر نیز حیات شرکت را پایدار می‌سازد. توقف ناگهانی این فعالیت‌ها، همانند سکنه‌های اقتصادی، می‌تواند به مرگ تدریجی سازمان منجر شود. از این‌رو، حفظ پویایی و فعالیت شرکت‌ها، امری حیاتی است و هرگونه تهدیدی که این فعالیت را متوقف سازد، می‌تواند عواقب ویرانگری به دنبال داشته باشد.

نصیری اقدم یکی از چالش‌های مهم در فرآیند خصوصی سازی شرکت‌های دولتی را ضعف دولت در اجرای کامل واگذاری‌ها دانست و تصریح کرد: ساختار کنونی دولت یا به گونه‌ای است که بتواند پس از فروش، کنترل کامل شرکت‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند؟ تجربه نشان داده است که در برخی موارد، علی‌رغم انجام مراحل قانونی فروش، به دلیل موانع اجرایی و دخالت برخی مدیران دولتی، فرآیند واگذاری با مشکل مواجه شده است. برای مثال، شرکت ایران ایر تور پس از فروش، به دلایل مدیریتی و نه به دلیل ضعف در عملکرد سازمان خصوصی سازی، به طور کامل به خریدار تحویل داده نشد.

ناکارآمدی مکانیسم‌های حل اختلاف بر فرآیند خصوصی سازی

وی همچنین اضافه کرد: متأسفانه مکانیسم‌های حل اختلاف پیش‌بینی شده در قوانین خصوصی سازی، در عمل کارایی لازم را نداشته‌اند. به طوری که حتی افرادی که خودشان اقدام به خصوصی سازی شرکت‌ها کرده‌اند، در مواقع لزوم درخواست فسخ قرارداد داده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که فشارهای سیاسی و منافع شخصی تا چه اندازه بر تصمیم‌گیری‌ها در حوزه خصوصی سازی تأثیرگذار بوده و کارآمدی این فرآیند را با چالش جدی مواجه کرده است.

این کارشناس اقتصادی تأکید داشت: در وضعیت کنونی، نبود یک مرجع رسمی و مشخص برای رسیدگی به اختلافات به شدت احساس می‌شود. پرونده‌ها اغلب به هیئت‌های داورى ارجاع می‌شوند؛ اما به دلیل رویه معمول این هیئت‌ها در رد درخواست‌های خصوصی سازی و فسخ قرارداد، بسیاری از پرونده‌ها به مراحل بالاتر قضایی و طولانی‌تر کشیده می‌شوند و این امر موجب افزایش هزینه‌ها و طولانی شدن روند حل اختلاف می‌شود.

رشد فناوری دستیاران هوش مصنوعی ایرانی طی سه ماهه اخیر

مهدی شریعت زاده - محسن ملک‌لی

برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره وضعیت جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و هوش مصنوعی با دکتر مهدی شریعت‌زاده عضو هیئت‌مدیره انجمن ملی هوش مصنوعی و معاون سابق ستاد هوش مصنوعی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مصاحبه کرد.

شریعت‌زاده با بیان اینکه موضوع هوش مصنوعی و ابعاد اقتصادی و فناورانه آن در دو سال اخیر به‌شدت مورد توجه کشورهای دنیا قرار گرفته است گفت: طبق تحلیل‌ها، امروز هوش مصنوعی صرفاً به ساخت‌افزارهای گران‌قیمت و زیرساخت‌های آمریکایی ختم نمی‌شود.

وی افزود: آنچه که در بلندمدت می‌تواند توسعه فناوری هوش مصنوعی را رقم بزند فکر و خلاقیت و الگوریتم‌هاست نه صرفاً زیرساخت‌ها و انحصار داده‌ها کم‌اینکه یک تیم ۲۰۰ نفره با پنج میلیون دلار سرمایه به فناوری رسیده که تا قبل از آن ادعا می‌شد هیچ کشوری به جز آمریکا نمی‌تواند به این فناوری دست پیدا کند؛ از این‌رو به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک شاهد یک سری پارادایم‌های شگفت‌انگیز و تغییرات جایگاه باشیم که تلاش و پشتکار آن‌ها را رقم می‌زند.

عضو هیئت‌مدیره انجمن ملی هوش مصنوعی با اشاره به اینکه تعدادی از دانشمندان برتر ایرانی در حوزه هوش مصنوعی نوآوری‌های خود را به‌صورت پیوسته در سطح جهانی ارائه می‌دهند مطرح کرد: اگر ابعاد اقتصادی هوش مصنوعی را در بعد سرمایه‌گذاری و اقتصادی کردن محصولات دانش‌بنیان مرتبط با هوش مصنوعی به جایگاه خوبی برسانیم قطعاً شاهد جهش تولید در حوزه فناوری هوش مصنوعی خواهیم بود.

شریعت‌زاده در رابطه با مهاجرت نخبگان در حوزه هوش مصنوعی گفت: علت مهاجرت نخبگان ایرانی در حوزه هوش مصنوعی این است که تربیت متخصصان ما در دانشگاه‌ها در جهت نیازمندی‌های داخلی نبوده و عمدتاً در جهت نیازمندی‌های یک



راه برون رفت از بحران

صنعت مرغ گوشتی کدام است؟

مصطفی سیدمصطفوی

مصطفی سید مصطفوی رئیس هیئت مدیره کانون هماهنگی دانش، صنعت و بازار طیور ایران با اشاره به اینکه مرغ‌های گوشتی به دلیل رشد سریع، حساسیت بیشتری به تغذیه، شرایط محیطی و بیماری‌ها دارند و برنامه‌ریزی برای مرغ‌های تخم‌گذار آسان‌تر است، افزود: نبود استراتژی کلان و هماهنگی میان دولت، تشکل‌ها و تولیدکنندگان از چالش‌های صنعت به خصوص مرغ گوشتی است و تقویت نقش تشکل‌ها در کنار یکپارچه‌سازی زنجیره تولید می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند.

آیا پتروشیمی زمین‌گیری می‌شود؟

علی‌رضاعلی اکبری

صنعت پتروشیمی به عنوان یک بخش راهبردی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند و محصولات آن در صنایع گوناگونی کاربرد دارد. پیش‌بینی می‌شود تقاضا برای محصولات پتروشیمی تا سال ۲۰۵۰ به شدت افزایش یابد و سهم آن در رشد تقاضای جهانی نفت به حدود ۵۰ درصد برسد. این رشد، ضرورت وجود سازوکارهای تأمین کارآمد را برای صنایع پایین‌دستی برجسته می‌کند.

در ایران، با وجود ظرفیت بالای تولید (حدود ۹۲ میلیون تن)، چالش‌هایی مانند عدم توازن در زنجیره تأمین، نوسانات قیمت و عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی، مانع توسعه صنایع پایین‌دستی شده است. رقابت‌های سنگین، سودجویی دلالت و کمیود تنظیم‌گری، تأمین پایدار و آسان نهاده‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

ساز کارهای تأمین نهاده‌ها شامل دو بخش اصلی بسترهای عرضه (قراردادهای مستقیم، بازارهای فیزیکی، بورس، پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، شرکت‌های توزیع) و ابزارهای تنظیمی (ذخایر استراتژیک، مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک، پایانه‌های ذخیره‌سازی، واردات نظام‌مند و اقتصاد چرخشی) است. طراحی و به‌کارگیری سازوکارهای مناسب با توجه به شرایط داخلی، برای توسعه پایدار این صنعت ضروری است.



در حوزه زیرساخت‌های سخت علم و فناوری و نوآوری یکی از کشورهای برتر دنیا است اما در حوزه در کیفیت رگولاتوری و تنظیم‌گری قانونی یکی از بدترین کشورهاست.

وی با تذکر این مطلب که دانش‌بنیان صرفاً به فناوری‌های هایتک و پیشرفته محدود نمی‌شود و فناوری‌های پایین‌دست هم می‌توانند نظام اقتصاد دانش‌بنیان را شکل دهند گفت: شش حوزه نظام آموزشی، نوآوری، مدیریت دانش در سازمان‌ها، ارتباطات و اطلاعات، فضای کسب‌وکار و ملاحظات منطقه‌ای می‌توانند نظام اقتصاد دانش‌بنیان را شکل دهند.

کارشناس ارشد پژوهشی پارک علم و فناوری دانشگاه تهران عنوان کرد: طبق آمارها، در حال حاضر ۶۶۰۰ شرکت دانش‌بنیان در مرحله نوبت قرار دارند؛ لذا اگر دولت و مسئولان این شرکت‌ها را در یابند کار بسیار بزرگی در حوزه اقتصاد انجام دادند.

ملک‌لی از فعالیت پاره‌وقت و تمام‌وقت ۴ هزار نفر در شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی سخن گفت و افزود: در حال حاضر سهم شرکت‌های دانش‌بنیان در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۳ درصد است که این یک آسیب است و پیشنهاد می‌شود از کشورهایی مانند کره جنوبی که ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را از طریق دانش‌بنیان‌ها تأمین می‌کند الگوبرداری شود.

«تولید داده محور» و «کشاورزی قراردادی»

شاه‌کلید اجرای هدف‌مند سیاست‌های حمایتی

عباس بیگدلی

عباس بیگدلی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه شاه‌کلید حل مشکلات حوزه کشاورزی کشور داشتن آمار است، افزود: تا قبل از دستیابی به آمار جامع و دقیق اصلاح الگو کشت معنی پیدا نمی‌کند.

به عنوان مثال در هنگام سرمایه‌گذاری تصمیم می‌گیریم برای کمک به کشاورز سود و جرائم تسهیلات کشاورزان را بخشیم اما آن افرادی که تسهیلاتی دریافت نکردند همچنان متضرر می‌شوند.

انیمیشنی درباره عهدناصری



نشست پرسش و پاسخ فیلم انیمیشن سینمایی «ژولیت و شاه» به کارگردانی اشکان رهگذر، با اجرای منصور ضابطیان و باحضور اشکان رهگذر (نویسنده و کارگردان)، آرمان رهگذر (تهیه کننده)، امیرنیا الهی (انیماتور)، مهدی شرکت معصوم (سرپرست جلوه های ویژه سه بعدی)، امین قاضی (مدیر دوبلاژ) برگزار شد.

در ابتدای این نشست، اشکان رهگذر، کارگردان انیمیشن گفت: گروه ما برای به ثمر نشستن این پروژه حدود شش سال زمان گذاشت. این کار، یک روایت آلترناتیو تاریخی است که عهد ناصری را روایت می کند. داستان «رومنو و ژولیت» به هسته اصلی مرتبط است و تصمیم گرفتیم این داستان را جایگزین داستان «مارلو» کنیم.

او ادامه داد: انیمیشن های دو بعدی وارد نسل تازه ای شده و به لحاظ هنری کار پیچیده ای است. ضمن این که انیمیشن ارجاعات تاریخی ای دارد که ما فکر کردیم به صورت نقاشی به شیوه جدیدی این مفاهیم قابل انتقال خواهد بود.

آرمان رهگذر نیز گفت: نمی توان گفت که از خط قرمزها عبور کردیم زیرا ما یک روایت تاریخی را پیش کشیدیم و بر آن مینا پیش رفتیم. در انیمیشن ما شخصیت دختر شاه را داریم که خیلی مدرن زندگی می کند و در تقابل با این کاراکتر، شخصیتی از اروپا داریم که پر از حرفه های شخصیتی است.

اشکان رهگذر افزود: من دوست دارم بر شخصیت تاج، دختر پادشاه تاکید کنم که یکی از باهوش ترین کاراکترها است و چادر سر می کند. این طور نبوده که چادر را به عنوان ابزار بیان برای چیزی استفاده کنیم و خوب و بد بودن کاراکترها را به پوشیدن یا نپوشیدن چادر نمی دیدیم. او ادامه داد: تعریف زیبایی و زیبایی شناسی در دوران قاجار چیز دیگری بوده است و ما بر اساس همان عکس هایی که همه ما از دوران قاجار دیده ایم، کاراکتر سازی کردیم.

امین قاضی، مدیر دوبلاژ این فیلم نیز گفت: سعی کردیم برای دوبله از شخصیت هایی استفاده کنیم که بچه های دو دهه با آن ها خاطره دارند. اتفاقی که این روزها برای دوبله می افتد به دلیل ساختار سینما فاجعه بار است. مردم دیگر فیلم دوبله تماشا نمی کنند و ساختار سانسور هم به شکلی است که اعتماد



تجربه متفاوت در ترکیب نوستالژی و کمدی

هادی نائیجی معتقد است: وقتی یک فیلم اولی سیمرغ می گیرد، عوامل حرفه ای و متخصصان پیش کسوت تشویق می شوند تا پای کار فیلم اولی ها بایستند.

به گزارش روابط عمومی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، هادی نائیجی که پیش از این برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه فیلم اول در سی و دومین دوره جشنواره بین المللی فیلم فجر شده بود. امسال با کمدی «آنتیک» با بازی پژمان جمشیدی، بیژن بنفشه خواه، ستاره پسیانی در کنار امیر نوروزی، غلامرضا نیکخواه و فرزین محدث پا به جشنواره فجر گذاشته است.

او درباره سوابق کاری و تجربه حضور خود در فجر گفت: کار خود را در سینما با فیلم «حق سکوت» آغاز کردم که خوشبختانه همان سال توانست در جشنواره فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه نگاه نو را دریافت کند. سپس فیلم ایپزودیک «هیپهات» را کار کردم. در ادامه، فیلم های کوتاه و سریال هایی از جمله «توپ» و «آخرین ایست بازرسی» را در لبنان تولید کردم.

این کارگردان درباره قسه «آنتیک» توضیح داد: «آنتیک» یک فیلم در ژانر کمدی است و بسیار خوشحالیم که توانست در جشنواره فیلم فجر پذیرفته شود. امیدواریم که این فیلم در این رقابت ها به نتایج درست و شایسته ای برسد.

نائیجی در خصوص روند ارزیابی و داوری فیلم های امسال به خصوص با حضور فیلم اولی ها در بخش سودای سیمرغ عنوان کرد: حضور فیلم اولی ها در سیمرغ اتفاق بسیار خوبی است، چرا که اصناف و تخصصی چون فیلم برداران، صدابرداران و سایر عوامل حرفه ای که در فیلم های اولی حضور پیدا کرده و کمک می کنند، فرصت ارزیابی در جشنواره برایشان فراهم شده است اتفاقی که تا پیش از این نبود و معمولا تمام تمرکز داوری ها روی فیلم ساز قرار داشت و دیگر تخصص ها کمتر دیده می شد. وقتی جشنواره عملکرد این متخصصان را ارزیابی کند، هم باعث تشویق آنان می شود و هم انگیزه می دهد تا همچنان از فیلم سازان جوان حمایت کنند. وقتی یک فیلم اولی سیمرغ می گیرد، عوامل حرفه ای و متخصصان پیش کسوت تشویق می شوند تا پای کار فیلم اولی ها بایستند. این امید و انگیزه ایجاد می شود تا بازم با فیلم اولی ها کار کنند.

او با اشاره به کمک بازیگران شناخته شده ای؛ چون پژمان جمشیدی به فیلم اظهار کرد: انتخاب بازیگر اولین و مهم ترین نقطه ای است که فیلم شکل می گیرد. برای فیلم «آنتیک»، پژمان جمشیدی را انتخاب کردیم، چون برای این ژانر و این نقش کاملا مناسب بود. انتخاب بازیگران دیگر هم بر اساس توانایی هایشان انجام شد. بازیگرانی مثل بیژن بنفشه خواه، رضا نیکخواه آزاد و دیگران، هر کدام با مهارت های خود، فضای فیلم را کامل کردند.

نائیجی درباره اهمیت جشنواره و حضورش در این رویداد گفت: جشنواره فیلم فجر، جشن ملی سینمای ایران است. این رویداد نه تنها حس وطن پرستی را در صنعت سینما تقویت می کند، بلکه نقطه عطفی برای اکران و معرفی فیلم ها به جامعه سینمایی و مخاطبان است. همچنین اکران مردمی جشنواره، ارتباط مستقیم مردم با فیلم ها را فراهم می کند و از این جهت، اهمیت بالایی دارد.

کارگردان «آنتیک» با اشاره به حس و حال بهتر جشنواره امسال بیان کرد: در سال های اخیر، ناملایمات زیادی را در جامعه تجربه کرده ایم. فکر می کنم جشنواره امسال فضایی برای ترمیم و همنشینی بیشتر ایجاد کرده است. جشنواره فجر اولین همنشینی در دوره جدید است و امیدوارم که به شکلی پررونق و گرم برگزار شود و شروعی خوب برای سینمای ایران باشد تا بتواند به رونق بیشتر این صنعت کمک کند.

او ادامه داد: افرادی مثل محمد چرمشیر در بازنویسی این انیمیشن به ما کمک کردند. من دوست ندارم درباره پیام کاری که می سازم حرف بزنم. اگر قرار باشد من درباره پیام کار حرف بزنم یعنی من کار خود را به خوبی انجام ندادم.

رهگذر بیان کرد: در روند تولید «آخرین داستان» من با حامد بهداد درباره این فیلم صحبت کردم. او از من خواست که نقشی را برای او هم در نظر بگیرم و گفت که می تواند صدای پیرزن مشهده را پیاده کند! همان موقع ما یک تست رفتیم و دیدم که چه قدر شیرین و با مزه صحبت کرد و همکاری میان ما شکل گرفت. خانم شاکری نیز از طرف تیم موسیقی به ما معرفی شدند.

این انیمیشن ساز اظهار کرد: من سال ۸۵ یک انیمیشن کوتاه درباره گریه ناصری ساختم که به همین دوران برمی گشت و درباره این دوران کنجکاو بودم. ضمن این که به روایت آلترناتیو تاریخ نیز علاقه داشتم همه این ها دست به دست هم داد که من سراغ ساخت این موضوع بروم.

او گفت: خیلی خوب است که در این دوره از جشنواره چهار انیمیشن اکران شده و حتی یک انیمیشن ایرانی در آکادمی اسکار نامزد شده است اما در نهایت باید بدانیم انیمیشن هم مثل دیگر آثار سینمایی اجزای متفاوتی دارد که خوب است برای همه آن ها جایزه در نظر گرفته شود.

روایتی از پیش تولید یک عملیات سری

را امشب دیدم. فکر می کنم دانش اقباشاوی در تدوین سلیقه بسیاری به خرج داده است و باید بگویم بازی ها یکدست است. همه چیز واقعی پیش رفته و می توان بازیگرانی را دید که برای ایفای نقش از خود گذشته اند.

خیام وقار کاشانی، دیگر بازیگر این فیلم اظهار کرد: من در ابتدای کار با دانش اقباشاوی درباره نقش دیگری صحبت کرده بودم. اما بعد دیدم در یکی از جلسه ها با سکوت به من نگاه می کند و خیلی ناگهانی نقش محسن رضایی را به من پیشنهاد داد.

دانش اقباشاوی گفت: اگر برای نقش های احمد غلامپور و محسن رضایی بازیگر پیدا نمی کردیم اصلا فیلم را نمی ساختیم. بازیگران برای شبیه شدن به این سردارها چهار ساعت گریم می شدند و با غوزبند و لباس های سنگین جلوی دوربین می رفتند. پیدا شدن این دو بازیگر و کار کردن در این نقش ها برای من خوش شانسی بود و فیلم را گرم و زنده کردند. ما به طور کلی از یکایک این عزیزان اجازه گرفتیم اما حتی نمی دانستند کدام بازیگرها قرار است جوانی شان را بازی کنند تا امروز من از سردار غلامپور پرسیدم راضی بودند یا نه و پاسخ مثبت گرفتیم.

اسماعیل علیزاده، تدوین گر «اسفند» بیان کرد: من، چالش ها را به شکل پتانسیل می دیدم. بافت های قصه ریز بود و فیلم به دو زبان روایت می شد. در این فیلم خیلی چیزها یاد گرفتیم و برای ساختن ریتمی مبتنی بر جغرافیای داخل کار بسیار تلاش کردم و خوشحالم که جزوی از این کار بودم.

اقباشاوی با بیان این که این فیلم درباره پیش تولید عملیات خیبر است و با شروع عملیات، فیلم ما به پایان می رسد، توضیح داد: برای اولین بار است که در فیلم ما پیش تولید یک عملیات ترسیم می شود و نه خود عملیات. ما در قصه گویی با شهید علی هاشمی حرکت کردیم و قدم به قدم با او پیش رفتیم.

یاسین مسعودی، بازیگر درباره حضور خود در فیلم توضیح داد: خیلی خوشحالم که توانستم تکه ای کوچک از این پازل بزرگ باشم و در این کار ایفای نقش کنم.

مهاجر توحیدپرست تهیه کننده در پایان از خانواده شهید علی هاشمی که در سالن حضور داشتند تشکر کرد.

و کار تهیه فیلم را من پیگیری کردم. دانش اقباشاوی گفت: ما همه خودمان عرب هستیم و برای همین لهجه ها همه صحیح هستند. به گفته هیچکاک «ستاره (بازیگر شناخته شده)، آدرس فیلم است»، اما ما می خواستیم فیلمی بومی و اورجینال بسازیم. قرار بود کاراکتر کار عربی صحبت کند و به نظرم درونیات رضا مسعودی بسیار نزدیک به کاراکتر بود. او سال ها دستیار کیانوش عیاری بود و سینما و رئالیته را به خوبی می شناسد. برای همین روح بومی را به کار اضافه کردیم.

رضا مسعودی، بازیگر نیز اظهار کرد: من اگر نقش اصلی پنجاه فیلم سینمایی را هم بازی می کردم خیلی فرقی نداشت. برای این اثر من همه تلاشم را به کار گرفتم. اول کار قرار بود من دستیار کار باشم و لیست بازیگر به دانش اقباشاوی دادم؛ حتی انتخاب اولم ساعد سهیلی بود. اما مهم ترین نکته در این فیلم جغرافیا و زبان کار بود که اگر هر بازیگر غیربومی این کار را انجام می داد، لهجه به درستی در نمی آمد.

اقباشاوی بیان کرد: ما برای ساخت این کار تحقیقات میدانی، کتابخانه ای و چهره به چهره داشتیم. فیلمنامه «اسفند» ترکیب خاطرات، تحقیقات و اندکی تخیل است و این طور نیست که از منبعی خاص اقتباس کرده باشیم. این اثر روایت سفر یک قهرمان در سیزده ماه است و حس می کنم فراز و فرودهایی که در فیلم می بینم به اندازه است. به نظر خود من فیلم، رگه هایی از نان یکیش را هم دارد و سعی شده روند قصه سرگرم کننده باشد.

سعید براتی، مدیر فیلمبرداری گفت: مهم ترین چالش ما در فیلمبرداری در لوکیشن «هور» بود. آن جا فضای عجیب و نور سختی برای فیلمبرداری دارد. برگ برنده من به عنوان یک فیلمبردار این است که دوربین از فیلم جلو زنده است و به نظرم این مهم ترین ویژگی این کار است.

مهدی زمین پرداز، بازیگر نیز توضیح داد: من برای اولین بار فیلم



نشست رسانه ای فیلم سینمایی «اسفند» به کارگردانی دانش اقباشاوی، با اجرای منصور ضابطیان و باحضور دانش اقباشاوی (نویسنده و کارگردان)، مهاجر توحیدپرست (تهیه کننده)، خیام وقار کاشانی، رضا مسعودی، مهدی زمین پرداز، یاسین مسعودی (بازیگران فیلم)، سعید براتی (مدیر فیلمبرداری)، اسماعیل علیزاده (تدوین گر) با یاد زنده یاد جلیل شعبانی دیگر تهیه کننده فیلم برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دانش اقباشاوی، کارگردان گفت: علقه جنگی همواره همراه با من بوده است و در فیلم های جنگی بسیاری دستبازی کرده ام. من آبدانی و جنگ زده هستم و برای همین همه فکر می کردند اولین فیلم من جنگی خواهد بود. اما من «تاج محل» را ساختم. بعد متوجه شدم که من در کودکی شهید علی هاشمی را دیده ام و متوجه شدم او چه قدر شخصیت منحصر به فردی دارد. نصف نیروهای او عرب عراقی بودند و در واقع حرکتش نه باعث انشقاق که وحدت آفرین بود. ضمن این که شیوه مدیریت مردمی او بسیار خاص بود و حلقه واسط مردم و دولت به حساب می آمد.

مهاجر توحیدپرست، تهیه کننده نیز بیان کرد: در ابتدا از جلیل شعبانی یاد می کنم. من اول کار پیش او در حال یادگیری بودم. بعد خبر درگیری او با بیماری آمد و عوامل به من اعتماد کردند

سرزمین سینما تنها جایی است که با تقلید به جایی نمی‌رسیم

دوست داشته باشد یا نداشته باشد. از طرف خود می‌گویم که یک فیلم هنری و روشن فکری ست و ترسی از گفتن آن ندارم.

در ادامه این نشست علی شاهیده مدیر فیلمبرداری این فیلم بیان کرد: این فیلم خاص بود و رسیدن به قاب‌های این چنینی حاصل صحبت‌ها و مشورت‌های زیاد ما بود. تلاش کردیم قاب ما ایستا باشد و مرعوب فضای معماری نشویم. تلاش کردیم فیلمبرداری در خدمت فیلم باشد.

حسن مهدوی صداگذار درباره کار خود در این اثر گفت: در صداگذاری ما چالش‌های زیادی داشتیم و برای رساندن مفاهیم فیلم به گونه‌ای که آزاردهنده نباشد و مفهوم را به مخاطب ارائه دهد، با اتود زدن‌های مختلف به این مدل رسیدیم. امیدوارم با صداهای خارج از قاب به رساندن مفاهیم فیلم کمک کرده باشیم.

رضا فرمند در ادامه این نشست گفت: آنچه در اتمسفر فیلم وجود دارد بسیار مقدس است. درست است که امامزاده در طبقات مختلف تقسیم‌بندی می‌شود، ولی چیزی که در امامزاده می‌بینیم زیبایی است.

حس نمی‌کنم جایی از فیلم فضایی سرد داشته باشد و فیلم سرشار از رنگ است. وی افزود: چیزی که من در ساخت و تولید در نظر داشتم این بود که فیلم خود را در مواجهه با فرهنگ، تمدن و تقدس سینمای ایرانی و شرقی می‌سازم و اصلاً به واکنش‌های ممکن در اکران فکر نکردم.

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «لوی» با حضور رضا فرمند (نویسنده و کارگردان)، جلیل اکبری صحت (تهیه‌کننده)، رامین محمدیان (طراح صحنه)، علی شاهیده (مدیر فیلمبرداری)، سودابه خسروی (طراح چهره‌پردازی)، حسن مهدوی (صداگذار) و ژیل آل رشاد و داریوش امینی (بازیگران) با اجرای محمدرضا مقدسیان برگزار شد.

رضا فرمند کارگردان این اثر توضیح داد: این فیلم بخش زیادی حاصل تجارب من در سینمای مستند است، صداقت و عمیق بودن خود را از زمانی وام گرفته که در سینمای مستند بوده و فعالیت داشته‌ام.

وی ادامه داد: در زمان ساخت قطعا به این فکر نکردم که مخاطب عام یا خاص دارد و با قلب ساخته شده و قطعا به سینمای تجاری نگاه نکردم. ریسک را پذیرفتم که یادآور سینمای متین و ایرانی ما است. ما فکر می‌کردیم که این فیلم سختی برای مخاطب عام باشد که جریان سینما آن را از سینمای ایرانی دور کرده است.

ژیل آل رشاد بازیگر این فیلم نیز مطرح کرد: نقش را بسیار دوست داشتم و از همان ابتدا احساس کردم که دست من به عنوان بازیگر باز خواهد بود. تلاش کردم ابعاد مختلف زن را به درستی پیش ببرم. امیدوارم که در این امر موفق بوده باشم.

داریوش امینی دیگر بازیگر این فیلم توضیح داد: من لکنت دارم. چون نقصی دارم همیشه سعی در پنهان کردن آن داشتم اما در این فیلم می‌خواستیم همه بفهمند که این عیب نیست و صرفاً یک نقص است و نیاز نیست چنین چیزی را پنهان کرده و می‌توان به خوبی زندگی کرد.

رامین محمدیان درباره طراحی صحنه فیلم مطرح کرد: در برخورد اول با جهانی مواجه شدیم که ما به آن نداشت و باید آن را خلق می‌کردیم و به این نتیجه رسیدیم که به اندازه لازم خلق کنیم.

اکبری صحت تهیه‌کننده فیلم نیز گفت: ما از تیغ منتقدان هراسی نداریم و هر کس می‌تواند تمام مختصات آن را نقد کند،



«بازی خونی» فیلمی مصنوعی شبیه فیلم‌های هالیوودی

مهران زارعیان، منتقد سینما با حضور در برنامه «سودای سیمرغ» ویژه‌نامه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر بیان داشت: فیلم بازی خونی را دوست نداشتم و در مواجهه با فیلم چیزی که در ذوق می‌زد این است که تیم فیلمساز مناسبات سیاسی و اجتماعی سال‌های دهه ۶۰ را لمس نکرده و آشنا نبینند و بر اساس سنت فیلم‌های جاسوسی هالیوودی کار کرده‌اند.

وی افزود: در فیلم بازی خونی تیم فیلمساز اقلیم را نیز هدر داده و توانسته به‌درستی از ظرفیت جنگل‌ها استفاده کند و فضا سازی که از اقلیم می‌دهد بیشتر مانند فیلم‌های ترسناک و رازآلود است مخصوصاً موسیقی فیلم در مواجهه اول که موسیقی انتخاب شده به گونه‌ای بود که اصلاً احساس نمی‌شد فیلم ایرانی باشد.

کیفیت ضعیف صدا و تصویر سالن برج میلاد مشکل اهالی سینما

حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم «بازی خونی» با انتقاد از غیراستاندارد بودن سالن پخش فیلم برج میلاد بیان داشت: کیفیت پایین تصویر و صدای سالن پخش فیلم در کاخ جشنواره سال‌هاست که مشکل فیلمسازان و اهالی سینماست و اغلب با سالن برج میلاد درگیر هستند که بهتر است از یک استاندارد خاص برخوردار باشد. وی افزود: این سالن از این حیث که اهالی رسانه، منتقدین و هنرمندان در این سالن متمرکز هستند و به دلیل ضعف کیفیت صدا و تصویر آنچه را که از نظر کیفی باید ببینند نمی‌توانند ببینند و این عدم کیفیت در دریافت آنها تأثیر دارد.

میرزا محمدی در مورد فیلم «بازی خونی» بیان داشت: این فیلم به ماجرای قیام مردم امل علیه گروهک شورشی «سربداران» می‌پردازد که این گروه زیر مجموعه اتحادیه کمونیست‌ها و رادیکال‌ترین گروه هستند که اعتقاد به قیام مسلحانه داشته‌اند و داستان فیلم در پاییز و زمستان ۱۳۶۰ و خود غائله امل در ۶ بهمن ۱۳۶۰ است.

وی با تأکید بر اهمیت اسم فیلم در ایجاد جذابیت بیان داشت: بازی خونی در واقع یعنی یک بازی پهن است و هر کسی با مهره خودش بازی می‌کند و باید حرکات و بازی حریف را پیش‌بینی کند و به حریف رگب بزند. این کارگردان اظهار داشت: مهم‌ترین کلیدواژه‌ای که در این فیلم وجود دارد مردم است؛ چون درست در زمانی که نیروهای نظامی در جنوب کشور در حال جنگ بودند یک گروهی در شمال سعی در انقلاب جدید داشتند، حضور مردم برای جلوگیری از این اتفاق در کشور مؤثر بوده و تأکید بر این است که در بزنگاه‌های تاریخی اگر تکیه بر مردم قرار گیرد، پیروزی حاصل می‌شود.

فیلم بازی خونی، بسیار به من آموخت

ارسطو خوش‌رزم، بازیگر فیلم «بازی خونی» گفت: به واسطه سیمرغی که سال پیش گرفتم امسال ۸ تا ۱۰ فیلمنامه برای فیلم سینمایی داشتم و به این دلیل بازی خونی را انتخاب کردم که موضوعی داشت که تا کنون به آن پرداخته نشده است و اکنون فیلم بازی خونی در آن موضوع مرجع است. وی با تأکید بر اینکه فیلم بازی خونی بسیار به من آموخت اظهار داشت: کارگردان فیلم یک فرم برای روایت این فیلمنامه انتخاب کرده بودند که برای من به‌عنوان بازیگر بعد از ۲۱ سال، فرمی جدید بود که تا کنون تجربه نکرده بودم و امیدوارم مورد توجه مردم اهالی رسانه و منتقدین باشد.

خوش‌رزم در انتقاد به کیفیت بد صدا و تصویر سالن نمایش برج میلاد اظهار داشت: اگر قرار است سالن همایش‌های برج میلاد به‌عنوان کاخ جشنواره انتخاب شود بایستی سیستم آن برای پخش فیلم استاندارد شود.

فیلم «بازی خونی» در ژانر معمایی جاسوسی به غائله جنگل امل می‌پردازد

سعید پروینی، تهیه‌کننده فیلم «بازی خونی» نیز بیان داشت: فیلم بازی خونی در ژانر معمایی جاسوسی در دهه ۶۰ به واقعه تاریخی و شهر هزار سنگر و غائله جنگل امل می‌پردازد.

وی در مورد لزوم ساخت این فیلم بیان داشت: مردم در مورد گروهک‌هایی که شاید چندین ساله فراموش شده و یا از بین رفته‌اند آشنایی ندارند درحالی که این مهم جز تاریخ معاصر کشور است و باید مردم در مورد تاریخ آشنایی داشته باشند.

پروینی با تأکید بر اینکه فیلم «بازی خونی» واقعاً سینماست اظهار داشت: بعد از فیلم قلب رقه فیلم بازی خونی پروژه‌ای بود که به لحاظ محتوایی یک پروداکشنی سخت داشت.

این کارگردان بیان کرد: این فیلمنامه در پروسه دو ماه نوشته و چند بار بازنویسی شد. همه فکر می‌کنیم در چنین کارهایی ارگان‌های مختلفی حضور دارند ولی این فیلم با سرمایه‌گذاری شخصی من در مستندسازی بوده و هیچ سفارشی در تولید فیلم نبوده و هیچ ارگانی در کنار ما نبوده است.

فرمند درباره تجربه مستندسازی خود مطرح کرد: من از ندیای مستند می‌آیم و به ریشه‌های مستند خود وفادار بودم و از تجارب خود در این فیلم استفاده کردم.

جلیل اکبری صحت نیز در پایان خاطرنشان کرد: سینمای ملی یک فرد و یکی دو ژانر نیست. کسی که در چابهار یا شمال فیلم می‌سازد تا کسانی که در تهران فیلم می‌سازند تمام این‌ها سینمای ملی است. سینمای هالیوود رنگ و روی سینمای ما را عوض کرده است. در تولید خودرو باید از آن‌ها تقلید می‌کردیم که نکرده‌ایم ولی در تولید فیلم به اشتباه از آن‌ها تقلید کرده‌ایم. سرزمین سینما تنها جایی است که با تقلید به جایی نمی‌رسیم.



جشنواره فجر باعث دیده شدن ما می‌شود

که داشتند، دوره‌م جمع شده بودند در نتیجه برای دریافت پول مواد مخدر حمل می‌کردند.

در ادامه محمد تنابنده گفت: همه این کاراکترها در قصه رنگ‌های مختلفی دارند مثلاً کسی برای ازدواج به پول نیاز دارد، کسی برای نجات همسرش به پول نیاز دارد و... ما شرایط این افراد را دوره‌م جمع کرده است.

سعید هنرمند طراح صحنه و لباس درباره حضور خود در این پروژه گفت: این فیلم دومین تجربه همکاری من با برادران تنابنده است و از اعتمادشان سپاسگزارم. چند هفته در شمال کشور و تالاب انزلی دنبال لوکیشن موردنظر بودیم و خدا را شکر آن را پیدا کرده و سپس ماکت فیلم را در تهران ساختیم و همه موارد فیلم را در لوکیشن خود ساختیم.

مصطفی تنابنده درباره حضور محسن تنابنده در این فیلم بیان کرد: محسن آنقدر مشغله داشت که ما مزاحم او نشدیم ولی از راهنمایی‌هایش استفاده کردیم و دورادور در جریان تولید و قصه ما بود.

رها خدایاری درباره احتمال جایزه گرفتن خود مطرح کرد: همیشه احساس می‌کنم در نقطه شروع و عاشق کار خود هستم. به خاطر خانواده‌ام دوست دارم سیمرغ بگیرم ولی این پایان کار بازیگری نیست. دنبال سیمرغ نیستم ولی هیچ کس از چنین چیزی بدش نمی‌آید.

وحید جعفری درباره وام گرفتن از ایده خارجی توضیح داد: به هیچ عنوان از هیچ الگو و ایده خارجی وام نگرفتیم.

دانش بهزادی درباره جایزه گرفتن خود گفت: هر بازیگری دوست دارد دیده شود و دنبال سیمرغ هستم. جوایز فقط به استعداد بستگی ندارد و به عوامل متعددی بستگی دارد.

مصطفی تنابنده مطرح کرد: ما تازه کار هستیم و با یک سکانس پلان سخت کارمان را شروع کردیم و از حضور در جشنواره بسیار خوشحالیم که باعث دیده شدن فیلم می‌شود.

جلال تیموری در پایان مطرح کرد: هنوز تصمیمی برای اکران فیلم نگرفته‌ایم و باید ببینیم که کار خود را با اکران عمومی آغاز کرده یا به نمایش‌های بین‌المللی می‌پردازیم.

در ادامه این نشست رها خدایاری یکی از بازیگران این فیلم بیان کرد: اسم برادران تنابنده را شنیده بودم و بعد از خواندن فیلمنامه تصمیم گرفتم حتماً در فیلم حضور داشته باشم. در تولید چنین کارهایی همدل بودن بسیار مهم است و شخصیت مهری چالش متفاوتی داشت و این نظاره‌گر بودنش برایم جالب بود. کار بسیار سختی بود و فقط با همدلی تمام دوستان چنین چیزی ممکن می‌شد.

توماج دانش بهزادی دیگر بازیگر این فیلم توضیح داد: خیلی خوشحالم که دو سال پشت سر هم شما را می‌بینم. فیلمنامه درخشان محمد و وحید به دست رسید و قصه را بسیار دوست داشتم. این فیلم سخت و بسیار دوست داشتنی را کنار هم ساختیم. باور کنید سکانس پلان کار بسیار سختی ست و باید کمترین خطا را داشت.

محمد تنابنده مطرح کرد: تعداد جلسات تمرین ما بسیار زیاد بود. در یکی از جلسات تمرین وقتی صدای بچه‌ها زیاد میشد انگار اذیت‌کننده میشد و تصمیم گرفتیم با صدای آرام و کم کار را پیش ببریم و به نظر رسید فضا بسیار ملتهب‌تر است و این رویه را برای فیلم انتخاب کردیم.

وی ادامه داد: حدود ۲۰ جلسه با دوربین تمرین کرده و در یک جلسه فیلمبرداری را انجام دادیم.

امیر عاشق حسینی مدیر صداپردازی این فیلم درباره تجربه حضور خود در این پروژه مطرح کرد: من آخرین نفری بودم که به

گروه اضافه شدم. حتی وقتی شمال به دوستان اضافه شدم هم قصه را نمی‌دانستم. این فیلم، چالشی بود که دوست داشتم همیشه آن را تجربه کنم.

جعفری درباره منطق روایی فیلم برای حمل مواد مخدر توسط شخصیت‌ها عنوان کرد: در این قصه خیلی از بچه‌ها شرایط مالی خوبی نداشتند و همه به دلیل شرایط مالی بدی



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه آهووی | گرافیست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۶۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



سرزمین سینما تنها جایی است که با تقلید به جایی نمی‌رسیم

این فیلم خاص بود و رسیدن به قاب‌های این چنینی حاصل صحبت‌ها و مشورت‌های زیاد ما بود. تلاش کردیم قاب ما ایستا باشد و مرعوب فضای معماری نشویم. تلاش کردیم فیلمبرداری در خدمت فیلم باشد.

انیمیشن‌های دوباره عهد ناصری

انیمیشن‌های دو بعدی وارد نسل تازه‌ای شده و به لحاظ هنری کار پیچیده‌ای است. ضمن این که انیمیشن ارجاعات تاریخی‌ای دارد که ما فکر کردیم به صورت نقاشی به شیوه جدیدی این مفاهیم قابل انتقال خواهد بود.

۱

۷

در قیامت کسی به داد کسی نمی‌رسد و...
نمی‌توانند هیچ کمکی به گناهکاران کنند
مگر کسی که خدا به او رحم کند

(سوره دخان آیه ۴۱ و ۴۲)



انتخاب سرمربی از آرایشگاه تا قهوه‌خانه

فریدون حسن

این روزها باشگاه استقلال محله بروبیای دلالت‌هاست. این روزها دلالت‌های چسبیده به فوتبال با تمام توان مشغول هستند تا گنجشک‌های رنگ شده خود را به اسم قناری به استقلال بچنانند، درست مانند آنچه در خصوص موسی‌مانه اتفاق افتاد. حالا به قول علی جباری، پیشکسوت بزرگ آبی‌ها، آقایان در قهوه‌خانه به دنبال سرمربی برای تیمی هستند که امروز کوچک‌ترین نشانی از آن استقلال بزرگ ندارد. البته قبلاً سابقه داشته که مثلاً مربی را در آرایشگاه انتخاب کنند یا اینکه در نمایشگاه و هزار و یک جای بی‌ربط دیگر، پس حالا اگر در قهوه‌خانه انتخاب شود، تعجب چندانی ندارد.

جباری درست می‌گوید، امثال استراماچونی که این روزها تا دلتان بخوابد نامش برده می‌شود اگر خوب بودند بیکار نمی‌گشتند. او که در حساس‌ترین زمان ممکن استقلال را رها کرد و کل پول دو فصل قراردادش را هم گرفت، درست مانند کاری که موسی‌مانه با استقلال کرد. جباری درست می‌گوید، استقلال باید سراغ مربی برود که در شأن استقلال باشد، کسی که رزومه داشته باشد، نه اینکه در قهوه‌خانه به دنبال مربی باشند!

تمام حرف‌های پیشکسوت ارزشمند استقلال در خصوص انتخاب سرمربی قابل و با دانش در خصوص احترام و ارزش قائل شدن به هوادار کاملاً درست است، اما جناب جباری یک نکته مهم را فراموش کرده و آن اینکه اگر می‌خواهید استقلال و کل فوتبال ایران سروسامان بگیرند باید ابتدا از پس دلالت‌های چسبیده به فوتبال برآید. باید اول بساط این زالوصفتان را از فوتبال برچینید تا دیگر هیچ مدیری جرئت نکند با انتخاب غلط خود اول پول ملت ایران را به باد بدهد و

بعد با احساسات پاک هواداران تیم‌ها بازی کند. علی جباری درست می‌گوید، ولی جناب جباری اگر می‌خواهید اوضاع استقلال و کل فوتبال ایران روبه‌راه شود باید اول فوتبال را از لوث مدیرانی پاک کنید که با سوءمدیریت و عدم تدبیر کاری می‌کنند که پای دلالت‌ها به باشگاه‌ها و حتی فدراسیون باز شود. مدیرانی که کوچک‌ترین درک و فهمی از فوتبال ندارند، ولی تا دلتان بخوابد برای خراب کردن اوضاع و احوال فوتبال کشور ادعا دارند. این روزها همه منتظرند تا باشگاه استقلال نام سرمربی جدید خود را اعلام کند و تا دلتان بخوابد هم نام‌های بزرگ ردیف شده برای نشست روی نیمکت آبی‌ها و این درست همانجایی است که باید از آن ترسید. جایی که مدیران فوتبال ایران بارها در آن امتحان پس داده و همیشه هم در این امتحان مهم و تأثیرگذار رد شده‌اند. هیچ تفاوتی هم نمی‌کند که مدیر امروزی باشد یا دیروز. علی جباری از مدیران قبلی استقلال به درستی انتقاد می‌کند، ولی پیشکسوت آبی‌ها ظاهراً فراموش کرده که مدیران کنونی استقلال هم امتحان پس داده‌اند و قبلاً شاهد بوده‌ایم که چگونه برنامه‌ریزی‌های آنها دمار از روزگار استقلال درآورده است. البته آنها فعلاً فرصت جبران دارند، اما از آنجا که مار گزیده از ریزمان سیاه و سفید می‌ترسد و تجربه‌های قبلی پیش چشمان همه هست پس زیاد نمی‌توان امیدوار بود. تجربه به ما می‌گوید که یک بیکار دیگر به فوتبال ایران می‌آید. بیکاری که از همین حالا به کمک شبکه دلالی خوب می‌داند که قرار است میلیاردها تومان از کنار فوتبال ایران به جیب بزنند. بیکاری که به قول جباری این بار از قهوه‌خانه‌های نیمکت استقلال می‌شود.

آماده بازی با الهلال هستیم



کارتال، سرمربی پرسپولیس: «الهلال از قدرت‌های آسیا است و ما هم به عنوان پرسپولیس تمرینات خوبی انجام دادیم و به خوبی برای بازی برابر الهلال آماده هستیم»

«برای اینکه از این مرحله صعود کنیم دو بازی مهم داریم و اگر ۲ یا ۳ امتیاز بگیریم می‌توانیم صعود کنیم.»
«دورسوس بازیکن سابق من در فترباغچه بوده و از کیفیت او خبر داریم. باید ببینیم چقدر آماده است که می‌تواند ۹۰ دقیقه بازی کند یا ۴۵ دقیقه.»

صحبت‌های ژسوس پیش از دیدار با پرسپولیس



«وارد تورنمنت متفاوتی نسبت به لیگ می‌شویم و با تیمی بازی می‌کنیم که از لحاظ بدنی سرسخت است.»
«سرمربی پرسپولیس را می‌شناسم و به نظرم یک مسابقه پُر برخورد پیش رو خواهیم داشت.»
«الکساندر میتروویچ، مراحل پایانی درمان را پشت سر می‌گذارد و به بازگشت نزدیک است. لودی اما برای برگشت به میدان به زمان نیاز دارد. علی البلیهی هم آماده مسابقه است.»

سرنوشت اعزام به بازی‌های اسلامی و آسیایی جوانان چه خواهد شد؟ آینده ورزش در گرو اختلاف کمیته و وزارت!

شیوانوروزی



حضوری قدرتمند در بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض و آسیایی جوانان بحرین در اولویت فعالیت‌ها و اهداف کاری کمیته ملی المپیک قرار گرفت و در همین راستا نشست‌های تخصصی و کارشناسی زیادی نیز برگزار کردیم. با توجه به کاهش بودجه کمیته ملی المپیک از سوی سازمان برنامه و بودجه، ضمن درک شرایط موجود و سیاست‌های کاری آن سازمان، بحث حضور در این دو رویداد مهم از دستور کار هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک خارج شد و تمرکزمان را فقط بر حضور در بازی‌های آسیایی ناگویا خواهیم گذاشت. در اولین نشست هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک درباره این موضوع رسماً تصمیم‌گیری و مصوب خواهد شد.

سیدشروین اسبقیان اختلاف بین وزارت ورزش و کمیته المپیک را تکذیب کرد. روز گذشته و پس از انتشار خبر خارج شدن دو اعزام بین‌المللی از دستور کار کمیته ملی المپیک، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای تنها کسی بود که به این خبر واکنش نشان داد. اسبقیان در حاشیه مجمع انتخاباتی فدراسیون شطرنج بر حضور پر قدرت در این دو رویداد تأکید کرد: «هیچ اختلاف مالی و کلی بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیست. اگر چنین مطلبی عنوان شده، تکذیب می‌کنم. شاید به خاطر حذف ردیفی از بودجه که سازمان برنامه و بودجه انجام داده، این مطلب عنوان شده است. وزیر ورزش قویاً این موضوع را دنبال می‌کند، اما از طرف مقام عالی وزارت اعلام می‌کنم با تمام قدرت در این رویدادها حضور پیدا خواهیم کرد. مشکل مالی نداریم و دولت حمایت‌های لازم را از این رویدادها انجام داده است و قطعاً

تخصیص بودجه لازم شده است، با این حال تصمیم مدیران سازمان برنامه، حذف بودجه دو رویداد پیش‌رو از اعتبارات کمیته ملی المپیک و اضافه کردن آن به اعتبارات وزارت ورزش بود! حال آنکه مسئولیت اعزام کاروان‌های مختلف ورزشی به رویدادهای بزرگی، چون المپیک، بازی‌های آسیایی، بازی‌های زمستانی، کشورهای اسلامی و آسیایی جوانان برعهده کمیته ملی المپیک است و طبعاً این کمیته نیز وظیفه اعزام ورزشکاران جانباز و توان‌یاب را به تورنمنت‌هایی، چون پارالمپیک و پاراآسیایی را برعهده دارد. بازی‌های آسیایی زمستانی هاربین تازه‌ترین رویدادی است که ورزشکاران ایرانی با مسئولیت و زیر نظر کمیته المپیک به چین اعزام شدند. طبق قوانین موجود، وزارت ورزش نمی‌تواند راساً اقدام به اعزام تیم‌ها و کاروان به مسابقات کند و این مسئله برعهده فدراسیون‌ها و کمیته‌های المپیک و پارالمپیک است. اینکه چرا و با چه هدفی بودجه دو اعزام برون‌مرزی به جای کمیته به وزارت سپرده شده، ابهامی است که باید منشأ آن را در اختلافات مدیریتی و برخی جابه‌جایی مدیران دنبال کرد. البته این اولین باری نیست که چنین تصمیمی گرفته می‌شود و پیش از این و درست قبل از بازی‌های المپیک پاریس رقمی قابل توجه از اعتبارات کمیته حذف شد و به وزارت ورزش تخصیص یافت.

محمد تابع از تصمیم‌گیری بیشتر در خصوص نقش کمیته ملی المپیک در آماده‌سازی تیم‌ها برای اعزام به دو رویداد پیش‌رو خبر داد. سرپرست دبیرکلی کمیته ملی المپیک با اشاره به فعالیت‌های انجام شده، اظهار داشت: «از مدت‌ها پیش بحث

خارج شدن دو رویداد ورزشی از دستور کار کمیته ملی المپیک زنگ خطر را برای ورزش ایران به صدا درآورده است. درحالی‌که وزیر ورزش چند باری بر اهمیت حمایت از نسل جوان، استعدادهای ورزش و حضور موفق در بازی‌های کشورهای اسلامی تأکید کرده بود، بودجه اعزام کاروان‌های ورزشی به بازی‌های آسیایی جوانان در بحرین و بازی‌های کشورهای اسلامی از کمیته ملی المپیک گرفته و به وزارت ورزش سپرده شده است!

بودجه یکی از چالش‌های همیشگی ورزش کشور بوده و همواره دغدغه تأمین نشدن منابع مالی جهت اعزام ورزشکاران به تورنمنت‌های مهم وجود داشته است. در سال آینده ورزشکاران کشورمان دو رویداد بازی‌های کشورهای اسلامی در ریاض و بازی‌های آسیایی جوانان در بحرین را پیش‌رو دارند. از آنجایی که اعزام نفرات و همچنین کسب نتیجه در تورنمنت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است، انتظار می‌رفت مشکل بودجه این اعزام‌ها هرچه سریع‌تر مرتفع شود، اما حالا خبر انصراف کمیته ملی المپیک از اعزام این دو کاروان شوک بزرگی به جامعه ورزش وارد کرده است. بازی‌های آسیایی جوانان ۳۰ مهرماه و بازی‌های کشورهای اسلامی ۱۶ آبان‌ماه در ریاض برگزار خواهند شد.

اعتبارات مصوب سال آینده کمیته ملی المپیک کاهش یافته و این کاهش به دلیل حذف بودجه اعزام کاروان به بازی‌های اسلامی و جوانان آسیا بوده است. سرپرست دبیرکلی کمیته با مدیران سازمان برنامه و بودجه صحبت کرده و ضمن تشریح حساسیت این موضوع خواستار همکاری با کمیته المپیک و

با صحبت این موضوع را حل خواهیم کرد. اختصاص بودجه به وزارت به جای کمیته بعید است. همه ارگان‌ها مطمئناً به دنبال اعتبارات و بودجه خود می‌روند و همیشه کمیته ملی المپیک در این حوزه پرتلاش بوده و اعتبارات خود را پیگیری کرده است. وزرای ورزش نیز کمک‌های لازم را انجام داده‌اند. قطعاً دنیامالی با توجه به ظرفیت‌های که در مجلس داشت و ظرفیت‌های مدیریتی که دارد و در دولت یک مدیر موفق شناخته می‌شود، پیگیری‌های لازم را انجام خواهد داد. مشکل مالی مطرح شده حل و فصل می‌شود. در هر صورت هیچ نگرانی وجود ندارد و به عنوان معاون قهرمانی از طرف وزیر ورزش اعلام می‌کنم قطعاً در این رویدادها با قدرت و قوت حضور پیدا خواهیم کرد.»